

شناسایی مؤلفه‌ها و الزامات نظام ترویج کشاورزی تکثرگرا در ایران

مدینه عثمانپور^{۱*}، روح‌اله رضائی^۲، فرزاد اسکندری^۳ و عبدالله موموندی^۴

(دریافت: ۱۴۰۱/۱۲/۱۶؛ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۳/۱۳)

چکیده

نظام ترویج کشاورزی همواره از ابعاد مختلف نیازمند تحول و تعدیل ساختاری بوده است که در این زمینه، رویکردهای نهادی اصلاح‌گرایانه نظیر تکثرگرایی مطرح شده است. بر این اساس، هدف این پژوهش آمیخته (کیفی-کمی)، شناسایی مؤلفه‌ها و الزامات نظام ترویج کشاورزی تکثرگرا در ایران بود که با استفاده از تکنیک دلفی انجام گرفت. اعضای پانل در دور اول شامل ۲۰ نفر و در دور دوم ۱۱ نفر از خبرگان دانشگاهی و حرفه‌ای ترویج و آموزش کشاورزی بودند که با توجه به سطح تحصیلات، سوابق پژوهشی و یا داشتن تجربه کافی در حوزه ترویج کشاورزی تکثرگرا به شکل هدفمند انتخاب شدند. به‌منظور تجزیه و تحلیل داده‌ها با استفاده از نرم‌افزار SPSS، از میانگین، انحراف معیار، ضریب‌تغییرات و ضریب همبستگی کنسیدال بهره‌گرفته شد. پس از انجام دو دور از تکنیک دلفی، ۱۰ مؤلفه اصلی برای نظام ترویج کشاورزی تکثرگرا شامل ساختار سازمانی، منابع اطلاعاتی، کارگزاران ترویج کشاورزی، منابع مالی، سیاست‌ها و راهبردها، روش‌ها و کانال‌های ارتباطی، مخاطبان، شیوه سازماندهی و مدیریت، محتوا و موضوعات و رهیافت‌ها، شناسایی شدند. همچنین، اجرای تکنیک دلفی در دور دوم منجر به شناسایی ۲۴ الزام مختلف برای نظام ترویج کشاورزی تکثرگرا در ایران گردید که این الزامات با استفاده از تکنیک تحلیل محتوای کیفی با رویکرد تلخیصی و بر اساس تناسب مفهومی و قرابت معنایی مفاهیم، در قالب ۱۰ گروه کلی اعم از توجه به رهیافت‌های ترویجی، توسعه امکانات و خدمات پشتیبانی، الزامات ساختاری، کاهش تصدی‌گری دولت، الزامات قانونی، پوشش فراگیر گروه‌ها و مخاطبان، پایش و ارزشیابی مستمر، شبکه‌سازی و همبستگی بین کنشگران، ظرفیت‌سازی و توسعه شایستگی‌های حرفه‌ای و محتواسازی هدفمند برای برنامه‌های ترویجی، دسته‌بندی شدند. در مجموع، توجه به مؤلفه‌ها و الزامات شناسایی شده در این پژوهش می‌تواند در عمل، راهنمای مناسبی برای طراحی یک الگوی مطلوب از نظام ترویج کشاورزی تکثرگرا و در عین حال، اجرا و پیاده‌سازی چنین نظامی در کشور باشد.

واژه‌های کلیدی: اصلاحات ساختاری، نظام نوین ترویج کشاورزی، الگوی مطلوب، رهیافت‌ها.

^۱ دانشجوی دکتری ترویج کشاورزی پایدار دانشگاه زنجان، زنجان ایران.

^۲ استاد گروه ترویج، ارتباطات و توسعه روستایی دانشگاه زنجان، زنجان، ایران.

^۳ استادیار گروه ترویج و آموزش کشاورزی دانشگاه کردستان، سنندج، ایران.

^۴ مدیر کل دفتر ترویج دانش و فناوری کشاورزی مؤسسه آموزش و ترویج، تهران، ایران.

* نویسنده مسئول، پست الکترونیک: osmanpour60@gmail.com



خدمات ترویج کشاورزی به‌عنوان بستر توسعه کشاورزی، نقش بسیار مهمی در افزایش سطح دانش و اطلاعات کشاورزان و پذیرش فناوری‌های بهبود یافته از سوی آن‌ها و در نتیجه، افزایش عملکرد و درآمد بهره‌برداران ایفا می‌کند (Maertens *et al.*, 2020). این در حالی است که در سال‌های اخیر ترویج کشاورزی با چالش‌های عمده‌ای از جمله کنترل و پاسخگویی، پایداری در ابعاد مختلف، مشارکت دادن زنان در فرایند توسعه کشاورزی و روستایی و غیره مواجه شده است (Roy, 2018). در ایران نیز با گذشت حدود ۷۰ سال از آغاز فعالیت‌های رسمی نظام ترویج کشاورزی و با وجود اجرای برنامه‌ها و اقدامات فراوان از سوی آن و دستیابی به برخی دستاوردها، امروزه بیش از هر زمان دیگری این نظام توانمندساز در حوزه علمی و اجرایی در بوته نقد، بحث و مجادله قرار گرفته است به‌نحوی که برخی متخصصان و پژوهشگران، عملکرد ترویج کشاورزی در ارائه خدمات به کشاورزان را چندان موفقیت‌آمیز و رضایت‌بخش ارزیابی نکرده‌اند (رضائی‌مقدم و اسداله‌پور، ۱۳۹۷). چالش‌ها و نارسائی‌های ارکان نظام ترویج کشاورزی کشور در وضعیت کنونی و در عین حال چالش‌های فراروی بخش کشاورزی در هزاره سوم میلادی، ایجاد تحول در کشاورزی و به‌ویژه ترویج کشاورزی به مثابه عنصر مهم توانمندساز را به‌گونه‌ای که بتواند کمیّت، کیفیت و تنوع محصولات کشاورزی را در مدت زمان کوتاهی به شکل پایدار افزایش دهد، اجتناب‌ناپذیر ساخته است (فعلی و همکاران، ۱۳۹۴).

بررسی سیر تکاملی ترویج کشاورزی در ایران حاکی از آن است که خدمات ترویج کشاورزی در آغاز به‌صورت رسمی از سوی دولت ارائه می‌شد که با توجه به محدودیت‌های دولت به‌ویژه کمبود منابع مالی، این شکل از ارائه خدمات همواره با ضعف‌هایی برای پوشش تمامی مخاطبان و در عین حال داشتن ساختار غیرمشارکتی در برنامه‌ریزی‌ها همراه بود. بر این اساس، در ادامه نظام ترویج کشاورزی در ایران به‌سوی خصوصی شدن پیش رفت که این رویکرد نیز به دلیل مسائلی همچون خاص‌گرایی و توجه به بزرگ‌مالکان که توانایی پرداخت هزینه‌ها را داشتند، موفقیت چندان بی‌دست نیاورد (ایزدی و یعقوبی‌فرانی، ۱۳۹۶). در چنین شرایطی، نظام ترویج کشاورزی در ایران به لحاظ هدف، ساختار، روش، نوع خدمات، جامعه هدف و سازمان‌های ارائه‌دهنده خدمات همواره نیازمند تحول و تعدیل ساختاری بوده است (کریمی‌گوغری و همکاران، ۱۳۹۷) که در این زمینه، در سال‌های اخیر رویکردهای نهادی اصلاح‌گرایانه مانند خصوصی‌سازی، تمرکززدایی و تکثرگرایی در ارائه خدمات و توسعه روش‌شناسی‌های ترویجی با قابلیت پاسخگویی بیشتر به مخاطبان مطرح شده است (حسینی و شریف‌زاده، ۱۳۸۷؛ رعنائی‌کردشولی و مرتضوی، ۱۳۹۵؛ Anandajayasekeram *et al.*, 2008). در همین راستا و به‌منظور حل مشکلات نظام ترویج کشاورزی در کشور، در سال ۱۳۹۴ نظام نوین ترویج کشاورزی اجرا و پیاده‌سازی شد (خدادادی، ۱۳۹۵). در واقع، چاره‌جویی برای حل مسائل مزمن نظام سنتی ترویج کشاورزی و لزوم بهبود ساختار و تشکیلات مربوطه منجر به طراحی نظام نوین ترویج کشاورزی شد (جعفری و همکاران، ۱۳۹۹). اصلی‌ترین مأموریت نظام نوین ترویج کشاورزی را می‌توان ظرفیت‌سازی و نهادسازی، تسهیل فرایند نوآوری و انتقال فناوری، توسعه و توانمندسازی نیروی انسانی بخش کشاورزی و از همه مهم‌تر، تکثرگرایی و به‌کارگیری ظرفیت‌های تمامی کنشگران پرشمار ترویج کشاورزی در نظر گرفت (رضائی‌مقدم و اسداله‌پور، ۱۳۹۷). به‌طور ساده، در قالب نظام نوین ترویج، ترویج کشاورزی تکثرگرا به‌عنوان افزایش سطح پوشش خدمات ترویجی و ارائه خدمات متنوع توسط بخش‌های مختلف از جمله شرکت‌های مشاوره‌ای تجاری و کشاورزی، نمایندگان بخش خصوصی، سازمان‌های کشاورزان و تعاونی‌ها، سازمان‌های غیردولتی بین‌المللی، بخش دولتی و ارائه‌دهندگان ادوات و نهاده‌ها، تعریف شده است (ایزدی و یعقوبی‌فرانی، ۱۳۹۶). بر این اساس، نظام ترویج کشاورزی تکثرگرا و چندگانه را می‌توان یکی از مؤثرترین پدیده‌های رو به ظهور و در حال تکامل دانست که در آن، نهادها و سازمان‌های دولتی و غیردولتی زیادی به ارائه خدمات ترویجی می‌پردازند. طرفداران این رویکرد استدلال می‌کنند که با ایجاد نظام تکثرگرا یا چندگانه امکان تلفیق منابع محدود، کاهش رقابت ناسالم، حذف خدمات اضافی و جبران کسری بودجه دولتی ایجاد می‌شود (رعنائی‌کردشولی و مرتضوی، ۱۳۹۵؛ کریمی‌گوغری و همکاران، ۱۳۹۶).

به‌رغم توجه به ترویج کشاورزی تکثرگرا در قالب نظام نوین ترویج، شواهد حاکی از آن است که در زمینه بومی‌سازی و توسعه الگوهای مطلوب نظام ترویج کشاورزی تکثرگرا در ایران که دارای نظام ترویج کشاورزی دولتی است، تحقیقات منسجم و مشخصی انجام نشده است؛ تحقیقاتی که برونداد آن‌ها، کمک به تدوین و طراحی الگوهایی است که متمرکز بر توسعه زیرساخت‌های مختلف و ظرفیت‌سازی میان سیاست‌گذاران و مدیران ترویج متناسب با شرایط و اولویت‌های خاص توسعه هر منطقه یا کشور هستند و در عین حال، فرایند نظارت بر فعالیت‌های بخش‌های مختلف ارائه‌دهنده خدمات را پوشش داده و سازمان‌های مختلفی که از نظر دیدگاه و تفکر متفاوت هستند را با یکدیگر هماهنگ می‌سازند. در همین زمینه، نتایج پژوهش‌ها حاکی از آن است که در بسیاری از کشورها، پایگاه رسمی در سطح ملی برای هماهنگی و مدیریت نظام ترویج کشاورزی تکثرگرا وجود ندارد (Gêmo *et al.*, 2013). این در حالی است که نظام ترویج تکثرگرا مستلزم سیاست‌های مناسب ملی است که بتواند بین کنشگران متعدد ترویج هماهنگی برقرار کند (Abdu-Raheem & Worth, 2016). با توجه به وجود چنین شرایطی، به نظر می‌رسد به‌رغم اینکه بستر مناسبی برای ایجاد و توسعه تکثرگرایی نهادی در کشور وجود دارد، اما در عمل به دلیل نبود شناخت کافی نسبت به ابعاد مختلف نظام ترویج کشاورزی تکثرگرا، هیچ سازوکار مشخصی برای پیشبرد نظام ترویج تکثرگرا در برنامه‌ها و آئین‌نامه‌های نظام نوین ترویج پیش‌بینی نشده است که این مسئله در عمل مانع از رسیدن به اهداف رویکرد تکثرگرایی در نظام ترویج کشاورزی ایران شده است. در واقع، همان‌طور که ساجش و همکاران (Sajesh *et al.*, 2018) تأکید دارند، هنوز پرسش‌ها و تردیدهای عمده‌ای پیرامون نظام ترویج کشاورزی تکثرگرا در کشورهای مختلف به‌ویژه در کشورهای در حال توسعه (از جمله ایران) وجود دارد که نیازمند واکاوی، مطالعه و توجه جدی‌تر هستند. این در حالی است که مرور شواهد تجربی در این زمینه حاکی از آن است که پژوهش‌های نسبتاً محدودی پیرامون نظام ترویج کشاورزی تکثرگرا انجام گرفته که در ادامه به ارائه خلاصه‌ای از نتایج این مطالعات در داخل و خارج از کشور پرداخته شده است.

علی‌میرزایی و همکاران (Alimirzaei *et al.*, 2019) در مطالعه خود نشان دادند که عملکرد نظام ترویجی و مشاوره‌ای تکثرگرا به‌شدت تحت تأثیر حضور کنشگران حرفه‌ای پرشمار و تعاملات اجرایی آن‌ها برای ایجاد هم‌افزایی قرار داشت. همچنین، وضعیت شبکه اجرایی فعلی از نظر انسجام نهادی رضایت‌بخش نبود، به‌طوری که ارتباط و تعامل بسیار ضعیفی بین بیشتر ارائه‌دهندگان خدمات ترویجی وجود داشت. چنین شبکه‌ای کاملاً متمرکز، از دیدگاه‌های مختلف پایدار نبوده و نمی‌تواند وظایفی را که از نظام ترویج در بخش کشاورزی ناهمگن ایران انتظار می‌رود، به‌خوبی انجام دهد. علی‌زاده و همکاران (۱۳۹۷) در پژوهشی پیرامون شناسایی مؤلفه‌های تأثیرگذار بر تحول نظام ترویج کشاورزی ایران به این نتیجه رسیدند که تقویت تعاملات ترویج و تحقیق، اصلاح سیاست‌ها، ترویج کشاورزی تکثرگرا، تمرکززدایی و سرمایه‌گذاری، از مؤلفه‌های تأثیرگذار بر تحول نظام ترویج کشاورزی ایران بودند. همچنین، در این پژوهش پس از ارزیابی وضعیت فعلی نظام ترویج کشاورزی ایران در یکی از مؤلفه‌های شناسایی شده، مشخص شد که تمرکززدایی، خصوصی‌سازی و تقویت تعاملات، بیش از سایر مؤلفه‌ها باید مورد توجه قرار گیرند. در پژوهش دیگری، رضائی‌مقدم و فاطمی (۱۳۹۸) به بررسی راهبردهای بهبود نظام نوین ترویج کشاورزی در ایران پرداخته‌اند. نتایج این پژوهش در خصوص وضعیت استقرار نظام نوین ترویج کشاورزی در استان‌های مورد مطالعه حاکی از این بود که ماهیت نظامی و تجویزی ساختار جدید در قالب نظام نوین ترویج نیازمند آن است که زیرساخت‌های نهادی-اداری، منابع انسانی، اجتماعی، فناوری و مالی مورد نیاز پیش از شروع کار این طرح توسعه یابند. همچنین، بر اساس نتایج این پژوهش مشخص شد که ناهماهنگی یا عدم همکاری درون و بین سازمانی در نبود یک برنامه راهبردی، کیفیت (و نه کمیت) نه‌چندان مطلوب سرمایه انسانی، کمبود منابع مالی، نبود تجهیزات و امکانات اولیه میدانی و عدم توسعه یا دسترسی به دانش و فناوری کاربردی برخاسته از تحقیقات علمی، بستر شکل‌گیری و اجرای طرح نظام نوین ترویج کشاورزی در ایران را ناهموار کرده است.

نیریم و همکاران (Knierim *et al.*, 2017) در پژوهشی درباره تکثرگرایی در ارائه‌دهندگان خدمات مشاوره‌ای کشاورزی در کشورهای اروپایی دریافتند که مزایای تکثرگرایی بدون پشتوانه سیاسی و حمایت دولت، به‌ویژه نقش بخش عمومی برای هماهنگی و کنترل و در عین حال بهبود ظرفیت‌های مذاکره و همکاری بین کنشگران مختلف تحقق نخواهد یافت. همچنین، نتایج این پژوهش نشان داد که تکثر در ارائه‌دهندگان خدمات و تنوع کانال‌های اطلاعاتی ممکن است تنها برای گروه‌های خاصی از کشاورزان، عمدتاً کشاورزان متوسط و دارندگان مزارع بزرگ، اثربخش باشد و سایر گروه‌های کشاورزان نتوانند از مزایای تکثرگرایی بهره‌مند شده و در نتیجه،

وابسته به خدمات ترویج عمومی باشند. نتایج پژوهش عبدالرحیم و ورت (Abdu-Raheem & Worth, 2016) حاکی از آن بود که حرکت به سمت تمرکززدایی، گسترش خصوصی‌سازی خدمات ترویجی و ترویج تقاضامحور به‌طور عمده در چارچوب پیاده‌سازی یک نظام ترویج کشاورزی تکثرگرا امکان‌پذیر خواهد بود. اجرای نظام ترویج کشاورزی تکثرگرا هم مستلزم سیاست‌های مناسب ملی برای ترویج است که بتواند بین کنشگران متعدد ترویج هماهنگی برقرار کند. در مطالعه دیگری، بب و همکاران (Bebe *et al.*, 2016) نشان دادند که خدمات ترویجی و مشاوره‌ای در کنیا به سمت یک نظام تکثرگرا حرکت کرده‌اند که به شدت بازارمحور است و خدمات مشاوره‌ای در سطح شهرستان بیشتر توسط ارائه‌دهندگان مختلف بخش خصوصی ارائه می‌شود. همچنین، بر اساس نتایج این پژوهش مشخص شد که نوع خدمات ترویجی و مشاوره‌ای مورد تقاضای کشاورزان دارای مزارع با مقیاس متوسط از کشاورزان خرده‌مالک متفاوت بود. به همین ترتیب، سینگ و همکاران (Singh *et al.*, 2013) در پژوهش خود دریافتند که آموزش و کسب مهارت توسط کشاورزان به دلیل روش‌های جدیدی که در نظام‌های کشاورزی وجود دارد، بخش اصلی نظام ترویج کشاورزی تکثرگرا بوده و موارد زیر را در برمی‌گیرد: (۱) ارزیابی نیازها و مهارت‌های کشاورزان؛ (۲) تمایز بین ابعاد مختلف آموزش (شامل آگاهی، دانش و مهارت‌ها) و استفاده از کانال‌ها و روش‌های مناسب برای هر یک از این ابعاد؛ (۳) تعیین انواع مختلف فناوری‌ها و مشاوره‌های مورد نیاز و سازوکارهای انتقال آن‌ها؛ (۴) استفاده از فناوری اطلاعات برای بهبود کیفیت و تسریع فرایند تبادل اطلاعات و (۵) سازماندهی آموزش و ظرفیت‌سازی در کشاورزان برای بازاریابی محصولات. به‌طور مشابه، جاداله و همکاران (Jadallah *et al.*, 2011) در پژوهش خود اثر سیاست تمرکززدایی و تکثرگرایی بر خدمات ترویج کشاورزی را بررسی کرده‌اند. با توجه به نتایج این پژوهش، به‌منظور حل مشکلات توسعه روستایی، نظام‌های ترویج کشاورزی بایستی مشارکت فعال کشاورزان در برنامه‌های ترویج کشاورزی را تشویق کنند؛ برای دستیابی به این مشارکت، سازمان‌های ترویجی باید رسماً از تمرکززدایی و تکثرگرایی استفاده کنند و برنامه‌ریزی و مدیریت را به سطوح پایین نظام ترویج، سازمان‌های بخش خصوصی، سازمان‌های کشاورزان و سازمان‌های آموزشی که در آن برنامه‌های ترویجی به‌صورت عملیاتی اجرا می‌شوند، واگذار کنند.

همان‌طور که از مرور مطالعات پیشین مشخص می‌شود، با وجود اینکه برخی مطالعات به‌صورت محدود به بررسی ابعاد مختلف نظام ترویج کشاورزی تکثرگرا در ایران و سایر کشورها پرداخته‌اند، اما بیشتر این پژوهش‌ها از رویکردی تک‌بعدی در بررسی نظام ترویج تکثرگرا برخوردار بوده و از یک زاویه محدود (برای مثال، بررسی راهکارها، عوامل تأثیرگذار و غیره)، تکثرگرایی در ترویج کشاورزی را مورد بررسی قرار داده‌اند به‌نحوی که در نهایت خروجی چنین مطالعاتی به طراحی و ارائه الگویی مشخص که بتواند در عمل، راهنمای مناسبی برای پیاده‌سازی نظام ترویج کشاورزی تکثرگرا باشد، منجر نشده است؛ از این‌رو، به نظر می‌رسد که یک خلأ پژوهشی عمده به‌ویژه درباره شناسایی مؤلفه‌ها و الزامات نظام ترویج کشاورزی تکثرگرا، به‌منزله پیش‌نیازهای اصلی برای طراحی و پیاده‌سازی یک الگوی مطلوب از چنین نظامی، احساس می‌شود. این در حالی است که گام نخست در طراحی و پیاده‌سازی هرگونه نظامی از جمله نظام ترویج کشاورزی تکثرگرا، دستیابی به شناخت علمی و درک کافی پیرامون آن نظام می‌باشد تا بتوان با برنامه‌ریزی هدفمندتر و اثربخش‌تری، در راستای اجرای آن حرکت کرد. بر این اساس، این پژوهش با هدف «شناسایی مؤلفه‌ها و الزامات نظام ترویج کشاورزی تکثرگرا در ایران»، انجام گرفت. شایان‌ذکر است که هر مقوله و پدیده‌ای شامل ابعاد یا عناصری است که با عنوان «مؤلفه» شناخته می‌شوند. در واقع، مؤلفه‌ها، اجزای تشکیل‌دهنده یک پدیده و یا عناصر تشکیل‌دهنده یک نظام (از جمله نظام ترویج کشاورزی تکثرگرا) به شمار می‌روند. این در حالی است که پیاده‌سازی نظام ترویج کشاورزی تکثرگرا با در نظر گرفتن تمامی مؤلفه‌ها، نیازمند برخی پیش‌شرط‌ها و به بیان دقیق‌تر، الزامات مختلفی است که بایستی شناخته شوند تا بستر لازم برای اجرای مطلوب نظام ترویج تکثرگرا فراهم شده و در نهایت، اهداف آن محقق گردد (Sajesh *et al.*, 2018).

روش پژوهش

این پژوهش از نظر مبانی فلسفی بیشتر مبتنی بر پارادایم تفسیرگرا؛ به لحاظ جهت‌گیری‌های پژوهش، کاربردی؛ از نظر رویکردهای پژوهش، قیاسی- استقرایی؛ به لحاظ روش‌شناسی، آمیخته (کیفی- کمی)؛ از نظر روش گردآوری داده‌ها، میدانی؛ به لحاظ راهبردهای پژوهش، پیمایشی؛ از نظر اهداف پژوهش، توصیفی- اکتشافی؛ و در نهایت، به لحاظ ابزارهای گردآوری داده‌ها مبتنی بر استفاده از پرسشنامه و تحلیل اسناد بود. همچنین، این پژوهش از نظر موضوعی در زمره مطالعات مرتبط با ترویج کشاورزی بود که

به‌طور مشخص به بررسی موضوع نظام ترویج کشاورزی تکثرگرا و شناسایی الزامات و مؤلفه‌های آن در ایران پرداخته و از نظر محدوده زمانی نیز محدود به سال ۱۴۰۱ بود. با توجه به اینکه موضوع مورد مطالعه در این پژوهش تا حدودی ناشناخته و از ادبیات نظری قوی برخوردار نبود، از این‌رو، در بخش کیفی با رویکرد اکتشافی از تکنیک دلفی برای شناسایی الزامات و مؤلفه‌های نظام ترویج کشاورزی تکثرگرا بهره گرفته شد. این تکنیک، شیوه‌ای برای استفاده از نظرات تعداد زیادی از متخصصان انفرادی در راستای حرکت به‌سوی یک موقعیت جمعی توافق شده و دستیابی به برخی نتیجه‌گیری‌های مشترک پیرامون یک موضوع خاص است (دنسکامب، ۱۴۰۰). تکنیک دلفی با مشارکت افرادی انجام می‌پذیرد که در خصوص موضوع پژوهش، تجربه یا دانش تخصصی دارند (پانل دلفی). گزینش اعضای واجد شرایط برای پانل دلفی، از مهم‌ترین مراحل این روش به حساب می‌آید؛ زیرا اعتبار نتایج کار به شایستگی و دانش این افراد بستگی دارد (Powell, 2003). بر این اساس، پانل دلفی در این پژوهش شامل اعضای هیئت‌علمی دانشگاه‌ها در رشته ترویج و آموزش کشاورزی و مدیران ستادی مؤسسه آموزش و ترویج کشاورزی در وزارت جهاد کشاورزی بودند. تعداد مناسب برای اعضا، نکته مهم دیگری است که در تشکیل پانل باید به آن توجه کرد؛ مانند هر نمونه‌گیری دیگر، حجم نمونه به عواملی مانند امکان دسترسی به افراد، زمان لازم و هزینه گردآوری اطلاعات بستگی دارد؛ در روش دلفی که اعضای پانل باید از متخصصان موضوع پژوهش باشند، این محدودیت‌ها افزایش پیدا می‌کند. از طرف دیگر، ایجاد اتفاق نظر میان اعضا به‌عنوان هدف از کاربرد این روش با افزایش اعضا دشوارتر می‌شود (رسولی و همکاران، ۱۳۹۳). در هر حال، هرچند تعداد اعضای پانل در پژوهش‌های پیشین بین ۱۰ تا ۱۶۸۵ نفر متغیر بوده است، اما هنگامی که میان اعضای پانل تجانس وجود داشته باشد، پاول (Powell, 2003) حضور ۱۰ تا ۲۰ نفر در پانل دلفی را کافی می‌داند. بر این اساس، در این پژوهش تعداد ۲۰ نفر از خبرگان دانشگاهی و حرفه‌ای ترویج و آموزش کشاورزی که از تحصیلات یا تخصص کافی در حوزه نظام ترویج کشاورزی تکثرگرا و یا تجربه و سابقه انجام کارهای پژوهشی یا میدانی مرتبط در این حوزه برخوردار بودند، به‌صورت هدفمند به‌عنوان اعضای پانل دلفی انتخاب شدند که مشخصات آن‌ها به‌طور خلاصه در جدول ۱ آورده شده است. البته، شایان‌ذکر است که در دور دوم روش دلفی تعدادی از اعضا از ادامه همکاری انصراف داده و داده‌های مورد نیاز از طریق ۱۱ نفر از آن‌ها گردآوری شد (نرخ پاسخگویی برابر با ۵۵ درصد). ابزار پژوهش برای گردآوری داده‌ها پرسشنامه بود که از طریق پست الکترونیکی، پرسشنامه الکترونیکی و در برخی موارد به شکل حضوری از طریق مصاحبه تکمیل شد.

جدول ۱- مشخصات اعضای پانل شرکت‌کننده در روش دلفی

| شماره | رشته تحصیلی | رتبه علمی | سابقه خدمت | شماره | رشته تحصیلی | رتبه علمی | سابقه خدمت |
|-------|---------------|-----------|------------|-------|---------------|-----------|------------|
| ۱ | | استاد | ۲۲ | ۱ | | استادیار | ۲۲ |
| ۲ | | دانشیار | ۱۸ | ۲ | | دانشیار | ۲۳ |
| ۳ | | دانشیار | ۱۳ | ۳ | | استادیار | ۱۲ |
| ۴ | | استادیار | ۲۶ | ۴ | | استادیار | ۱۵ |
| ۵ | ترویج و آموزش | دانشیار | ۱۵ | ۵ | ترویج و آموزش | استادیار | ۱۴ |
| ۶ | کشاورزی | استاد | ۲۵ | ۶ | کشاورزی | استادیار | ۲۲ |
| ۷ | | دانشیار | ۲۶ | ۷ | | دانشیار | ۲۰ |
| ۸ | | دانشیار | ۲۴ | ۸ | | استادیار | ۱۰ |
| ۹ | | استادیار | ۱۳ | ۹ | | استادیار | ۱۵ |
| ۱۰ | | استادیار | ۱۰ | ۱۰ | | استادیار | ۱۱ |

خبرگان دانشگاهی (اعضای هیئت‌علمی دانشگاه)

فرایند اجرای روش دلفی در این پژوهش به این صورت بود که پس از تعیین اعضای پانل، دوره‌های روش دلفی اجرا و پرسشنامه‌های هر دور توزیع و گردآوری شد. شایان‌ذکر است که مشابه روال مطالعات انجام گرفته با استفاده از تکنیک دلفی (رسولی و همکاران، ۱۳۹۳؛ دهقانی و همکاران، ۱۳۹۸؛ نیکویه و همکاران، ۱۳۹۹) و رویه پیشنهاد شده در منابع معتبر (دنسکامب، ۱۴۰۰)، در دور اول

دلفی به همراه پرسش باز، تعدادی پرسش بسته نیز در خصوص ارزیابی میزان اهمیت مؤلفه‌های استخراج شده از ادبیات پژوهش در قالب طیف لیکرت (شامل گزینه‌های اهمیت بسیار زیاد، اهمیت زیاد، اهمیت متوسط، اهمیت کم و اهمیت بسیار کم) در اختیار اعضای پانل قرار گرفت. پس از گردآوری پرسشنامه‌ها، سؤالات بسته با استفاده از نرم‌افزار SPSS تجزیه و تحلیل شده و پاسخ‌های اعضای پانل به پرسش باز با ترکیب پاسخ‌های مشابه و حذف موضوعات تکراری و حاشیه‌ای نیز شدند. در نهایت، روش دلفی پس از انجام دور دوم و دستیابی به اجماع مطلوب پایان یافت. در خصوص دلایل توقف روش دلفی بایستی اشاره شود که اشمیت (Schmidt, 1997) برای تصمیم‌گیری درباره توافق یا ادامه دورهای دلفی دو معیار آماری ارائه می‌کند؛ معیار اول این است که اتفاق نظر قوی میان اعضای پانل وجود داشته باشد که میزان این توافق با استفاده از ضریب هم‌هنگی کندال در جدول ۲ تعیین می‌شود. در صورت نبود چنین اتفاق نظری، بر اساس معیار دوم اشمیت (Schmidt, 1997)، ثابت ماندن ضریب کندال یا افزایش اندک آن (معمولاً کمتر از ۰/۳) در دو دور متوالی بیانگر این است که افزایشی در توافق اعضا صورت نگرفته و در نتیجه، فرایند دلفی می‌تواند متوقف شود. البته، توجه به این نکته ضروری است، از آنجایی که برای پانل‌های با تعداد بیشتر از ۱۰ عضو، حتی مقادیر بسیار کوچک ضریب کندال (کمتر از ۰/۱) نیز ممکن است معنی‌دار شوند، از این‌رو، معنی‌داری ضریب کندال به لحاظ آماری، برای متوقف کردن فرایند دلفی کفایت نمی‌کند (رسولی و همکاران، ۱۳۹۳).

جدول ۲- تفسیر مقادیر مختلف ضریب هم‌هنگی کندال

| مقدار ضریب کندال | ۰/۱ | ۰/۳ | ۰/۵ | ۰/۷ | ۰/۹ |
|-----------------------|------------|------|-------|-----|-----------|
| تفسیر میزان اتفاق نظر | بسیار ضعیف | ضعیف | متوسط | قوی | بسیار قوی |

برای تجزیه و تحلیل داده‌های کمی گردآوری شده در دورهای دلفی، از شاخص مرکزی میانگین و شاخص‌های پراکندگی شامل انحراف معیار و ضریب تغییرات بهره گرفته شد. شایان ذکر است که در بررسی مؤلفه‌ها و الزامات نظام ترویج تکثرگرا در دورهای روش دلفی، مواردی که میانگین آن‌ها کمتر از ۴ بود، به دلیل داشتن میزان اهمیت پایین، از فرایند تحلیل‌ها کنار گذاشته شدند (نیکویه و همکاران، ۱۳۹۹). همچنین، در بخش کیفی نیز برای شناسایی موضوعات اصلی در پرسش باز در دور نخست دلفی و در عین حال دسته‌بندی الزامات شناسایی شده در دور دوم دلفی، روش تحلیل محتوای کیفی (با رویکرد تلخیصی) به کار گرفته شد. در نهایت، اشاره به این نکته ضروری است که کنترل روایی و پایایی روش دلفی آسان نیست، چنان‌که این روش به دلیل نداشتن شواهدی از پایایی شدیداً مورد انتقاد قرار گرفته است. به عبارتی، اگر اطلاعات یا پرسش‌های مشابه به اعضای پانل داده شود، دستیابی به نتایج یکسان حتمی نخواهد بود (رحمانی و همکاران، ۱۳۹۹). به هر حال در این پژوهش تلاش شد با به‌کارگیری پرسشنامه‌های پی‌درپی و انتخاب شرکت‌کنندگانی که درباره موضوع مورد بررسی تخصص داشتند، روایی محتوایی روش دلفی افزایش یابد. همچنین، برای تعیین روایی ابزار پژوهش (پرسشنامه دلفی)، پرسشنامه هر مرحله در اختیار برخی از صاحب‌نظران قرار گرفت و بر اساس نظرات آن‌ها اصلاح شد (Goodman, 1987). به همین ترتیب، در بخش کیفی (تحلیل محتوا) نیز برای اطمینان از اعتبار داده‌ها و دقیق بودن یافته‌ها به بررسی اعتبارپذیری و تأییدپذیری و انتقال‌پذیری داده‌ها پرداخته شد (دنسکامب، ۱۴۰۰). بررسی اعتبارپذیری با استفاده از تکنیک‌های مختلفی انجام می‌گیرد که به‌طور مشخص در این پژوهش از روش‌های کنترل اعضا و خودبازبینی پژوهشگر استفاده شد (عباس‌زاده، ۱۳۹۱). به همین ترتیب، به‌منظور بررسی تأییدپذیری، تمامی یادداشت‌ها، اسناد و مصاحبه‌های ضبط شده پس از تحلیل توسط پژوهشگر، دوباره در اختیار تیم پژوهش قرار داده شده و تناسب بین داده‌های خام با نتایج به‌دست آمده از آن‌ها تأیید شد. در نهایت، برای بررسی انتقال‌پذیری، پژوهشگر به توصیف دقیق شرایط انجام پژوهش و جزئیات مرتبط با فرآیند بخش کیفی پرداخت.

یافته‌ها و بحث

دور اول دلفی

همان‌طور که اشاره شد، پرسشنامه دور اول دلفی به‌صورت یک پرسش باز به همراه چندین پرسش بسته (شامل بررسی میزان اهمیت مؤلفه‌ها و الزامات استخراج شده از مرور مبانی نظری و تجربی پژوهش) تدوین و بین اعضای پانل توزیع شد. نتایج به‌دست آمده از تجزیه و تحلیل داده‌های به‌دست آمده از دور اول دلفی در ادامه اشاره شده است.

الف- مؤلفه‌های نظام ترویج کشاورزی تکثرگرا

نتایج پژوهش در خصوص میزان اهمیت هر یک از مؤلفه‌های نظام ترویج کشاورزی تکثرگرا (در قالب پرسش‌های بسته) نشان داد که میانگین هر ۱۱ مؤلفه مورد بررسی بالاتر از چهار بود که این نتیجه دلالت بر میزان اهمیت بالای این مؤلفه‌ها داشت (جدول ۳). همچنین، میانگین انحراف‌معیار پاسخ‌های اعضای پانل در این بخش، ۰/۷۰ به‌دست آمد (جدول ۳). به همین ترتیب، مقدار ضریب هم‌هنگی کندال به‌عنوان شاخص به‌کار گرفته شده برای بررسی میزان اجماع و اتفاق نظر خبرگان در روش دلفی، ۰/۰۹۱ به‌دست آمد که علاوه بر معنی‌دار نبودن، مقدار آن کمتر از ۰/۱ بود (جدول ۳) که این یافته‌ها بیانگر اتفاق نظر بسیار ضعیف بین اعضای پانل درباره مؤلفه‌های نظام ترویج کشاورزی تکثرگرا بود؛ از این‌رو، بر اساس معیار اشمیت (Schmidt, 1997)، لازم بود دور دوم دلفی نیز انجام پذیرد. البته، به موازات تحلیل داده‌های کمی، در نتیجه تحلیل محتوای کیفی پاسخ‌های داده شده به پرسش باز در پرسشنامه دور اول دلفی نیز برخی مؤلفه‌های نظام ترویج کشاورزی تکثرگرا شناسایی شدند که پس از حذف (به دلیل تکراری بودن) یا ادغام و ترکیب با مؤلفه‌های استخراج شده از پژوهش‌های پیشین، در نهایت یک مؤلفه با عنوان «روش‌های پایش و ارزیابی برنامه‌ها» به فهرست مؤلفه‌های شناسایی شده برای مطالعه در دور دوم دلفی اضافه شد (جدول ۳).

جدول ۳- نتایج مرتبط با مؤلفه‌های شناسایی شده برای نظام ترویج کشاورزی تکثرگرا در دور اول دلفی

| ردیف | مؤلفه‌ها | تعداد پاسخ‌ها | میانگین | انحراف‌معیار |
|-------|--|----------------|------------|--|
| ۱ | سیاست‌ها و راهبردها (رویکرد اقتضایی در راستای پایداری، توسعه منابع انسانی، توانمندسازی، ظرفیت‌سازی، تقویت نهادهای محلی و غیره) | ۲۰ | ۴/۶۵ | ۰/۸۱ |
| ۲ | محتوا و موضوعات (محتوای مرتبط با نیازهای مخاطبان متنوع) | ۲۰ | ۴/۶۵ | ۰/۴۸ |
| ۳ | منابع اطلاعاتی (مؤسسات تحقیقات کشاورزی، دانش بومی، ارتباطات تعاملی کشاورز- مروج- محقق، مراکز آموزشی و غیره) | ۲۰ | ۴/۳۵ | ۰/۴۸ |
| ۴ | رهیافت‌ها (رهیافت‌های مشارکتی، رهیافت ترویج قراردادی، رهیافت تخصصی کالا و غیره) | ۲۰ | ۴/۳۵ | ۰/۷۴ |
| ۵ | روش‌ها و کانال‌های ارتباطی (روش‌های انفرادی، روش‌های گروهی با به‌کارگیری فناوری اطلاعات و ارتباطات، رویکرد و نهضت رسانه‌ای، یادگیری چند کنشگرانه) | ۲۰ | ۴/۳۵ | ۰/۶۷ |
| ۶ | مخاطبان (پوشش تمامی گروه‌های مستعد مخاطبان از جمله کشاورزان خرده‌پا و گروه‌های حاشیه‌ای) | ۲۰ | ۴/۵۵ | ۰/۶۰ |
| ۷ | شیوه سازماندهی و مدیریت | ۲۰ | ۴/۲۵ | ۰/۷۱ |
| ۸ | منابع مالی (حمایت متوازن بخش دولتی از ترویج کشاورزی، زمینه- سازی برای مشارکت بخش خصوصی و نهادهای محلی در تأمین منابع مالی و جلب کمک‌های مؤسسات ذی‌ربط) | ۲۰ | ۴/۳۰ | ۰/۸۰ |
| ۹ | ساختار سازمانی | ۲۰ | ۴/۳۰ | ۰/۹۷ |
| ۱۰ | کارگزاران ترویج کشاورزی (بخش دولتی، بخش خصوصی، سازمان‌های غیردولتی و غیره) | ۲۰ | ۴/۲۰ | ۰/۷۶ |
| ۱۱ | روابط نهادی و محیط پیرامونی | ۲۰ | ۴/۲۵ | ۰/۷۱ |
| ۱۲ | روش‌های پایش و ارزیابی برنامه‌ها | | | این عامل توسط اعضای پانل در دور اول دلفی پیشنهاد شده و به پرسشنامه دور دوم اضافه شد. |
| | میانگین انحراف‌معیار | --- | --- | ۰/۷۰ |
| تعداد | مقدار ضریب هم‌هنگی کندال | مقدار مربع کای | درجه آزادی | سطح معنی‌داری |
| ۲۰ | ۰/۰۹۱ | ۱۸/۱۸۶ | ۱۰ | ۰/۰۵۲ |

شناسایی مؤلفه‌ها و الزامات نظام ترویج کشاورزی تکثرگرا در ایران

ب- الزامات نظام ترویج کشاورزی تکثرگرا

مشابه نتایج اشاره شده برای مؤلفه‌ها، یافته‌های دور اول دلفی در خصوص پرسش‌های بسته برای بررسی میزان اهمیت الزامات نظام ترویج کشاورزی تکثرگرا حاکی از آن بود که از بین ۳۵ الزام مورد بررسی، میانگین پنج مورد پایین‌تر از چهار بود که در ادامه این موارد از فرایند تحلیل‌ها کنار گذاشته شدند (جدول ۴). همچنین، میانگین انحراف‌معیار پاسخ‌های اعضای پانل، ۰/۷۳ به‌دست آمد (جدول ۴). با توجه به نتایج مندرج در جدول ۴، مقدار ضریب هم‌هنگی کندال برای پاسخ‌های اعضای پانل در خصوص میزان اهمیت الزامات نظام ترویج کشاورزی تکثرگرا، ۰/۱۰ محاسبه شد که در سطح ۰/۰۱ معنی‌دار بود (جدول ۴). به‌رغم معنی‌دار بودن ضریب هم‌هنگی کندال، با توجه به پایین بودن مقدار این ضریب، می‌توان نتیجه گرفت که بین اعضای پانل دلفی درباره الزامات نظام ترویج کشاورزی تکثرگرا اتفاق نظری ضعیفی وجود داشت. از این‌رو، بر اساس معیار اشمیت (Schmidt, 1997)، ضروری بود تا دور دوم دلفی نیز برای بررسی الزامات انجام پذیرد. البته، افزون بر تحلیل داده‌های کمی، تحلیل محتوای کیفی پاسخ‌های داده شده به پرسش باز در پرسشنامه دور اول دلفی نیز منجر به شناسایی برخی الزامات نظام ترویج کشاورزی تکثرگرا شد که پس از حذف (به دلیل تکراری بودن) یا ادغام و ترکیب با الزامات به‌دست آمده از پژوهش‌های پیشین، این موارد نیز به فهرست الزامات شناسایی شده جهت بررسی در دور دوم دلفی اضافه شدند (جدول ۴).

جدول ۴- نتایج مرتبط با الزامات شناسایی شده برای نظام ترویج کشاورزی تکثرگرا در دور اول دلفی

| ردیف | الزامات | تعداد | میانگین | انحراف‌معیار |
|------|---|-------|---------|--------------|
| ۱ | هم‌هنگی مؤثر بین سازمان‌ها، کنشگران و ارائه‌دهندگان خدمات با تعیین مناسب نقش‌ها و فعالیت‌ها و جلوگیری از موازی کاری | ۱۹ | ۴/۵۰ | ۰/۶۰ |
| ۲ | تقسیم کار مناسب و تخصیص درست خدمات ترویجی به کنشگران مختلف ترویج کشاورزی | ۱۹ | ۴/۴۰ | ۰/۵۹ |
| ۳ | توسعه شایستگی‌های کنشگران مختلف برای بهبود عملکرد آن‌ها | ۱۹ | ۴/۴۰ | ۰/۵۹ |
| ۴ | مخاطب‌مداری و تقاضامداری و رقابت بین ارائه‌دهندگان خدمات | ۱۹ | ۴/۵۰ | ۰/۶۰ |
| ۵ | تدوین و مستندسازی محتوای مرتبط با نیاز مخاطبان | ۱۹ | ۴/۴۰ | ۰/۷۵ |
| ۶ | استفاده از رویکرد اقتضایی و تنوع‌گرا به جای رویکردهای جهان‌شمول و استاندارد در ارائه خدمات | ۱۹ | ۴/۱۰ | ۰/۸۵ |
| ۷ | توجه به پوشش تمامی گروه‌ها و مخاطبان از جمله فقرا، زنان و گروه‌های آسیب‌پذیر و محروم و محدود نکردن خدمات تنها برای کشاورزان ثروتمند و عمده مالک | ۱۹ | ۴/۵۰ | ۰/۷۶ |
| ۸ | هم‌هنگ‌سازی کارگزاران ترویجی و جلوگیری از موازی کاری | ۱۹ | ۴/۴۰ | ۰/۷۵ |
| ۹ | طراحی سازوکارهای اثربخش برای نظارت، ارزیابی و یادگیری | ۱۹ | ۴/۲۵ | ۰/۶۳ |
| ۱۰ | ترویج مشارکتی مبتنی بر ساماندهی و کار با گروه‌های کشاورزان | ۱۹ | ۴/۵۰ | ۰/۵۱ |
| ۱۱ | محتوای برنامه‌های ترویجی مبتنی بر اولویت‌ها، سیاست‌ها و قوانین راهبردی در سطح ملی و منطقه‌ای | ۱۹ | ۴/۴۰ | ۰/۵۹ |
| ۱۲ | تدوین قوانین و ضوابط هم‌هنگ‌ساز توسط بخش دولتی | ۱۹ | ۴/۱۵ | ۰/۸۱ |
| ۱۳ | عقب‌نشینی دولت از ارائه برخی از خدمات ترویجی نه عقب‌نشینی کامل از عرضه و تأمین خدمات ترویج کشاورزی | ۱۹ | ۳/۸۰ | ۰/۷۶ |
| ۱۴ | کنشگری دولت در راستای تداوم تأمین مالی خدمات ترویجی از سنخ کالاهای عمومی | ۱۹ | ۳/۵۰ | ۰/۹۴ |
| ۱۵ | کنشگری دولت در ظرفیت‌سازی به‌منظور حضور هم‌هنگ نهادهای درگیر در عرضه ترویج کشاورزی | ۱۹ | ۴/۲۰ | ۰/۸۳ |
| ۱۶ | تنوع‌بخشی به ارائه‌دهندگان خدمات ترویجی از طریق تقویت، تشویق و دخالت دادن کنشگران غیردولتی و کارگزاران محلی | ۱۹ | ۴/۱۵ | ۰/۶۷ |
| ۱۷ | طراحی و بهره‌گیری از رهیافت‌های ترویجی متناسب با شرایط محلی | ۱۹ | ۴/۱۵ | ۰/۷۴ |
| ۱۸ | شکل‌گیری شبکه نهادی ترویج کشاورزی چند بخشی با تقسیم وظایف در روند تهیه، عرضه، تأمین و نظارت بر خدمات ترویجی | ۱۹ | ۴/۲۵ | ۰/۷۱ |
| ۱۹ | کاهش تصدی‌گری دولت در برخی کارکردهای ترویج کشاورزی | ۱۹ | ۳/۸۹ | ۱/۱ |
| ۲۰ | کنشگری دولت در تدارک محیط نهادی مناسب از طریق فرهنگ کارآفرینی در عرصه ترویج کشاورزی | ۱۹ | ۳/۹۵ | ۰/۸۸ |
| ۲۱ | بازتعریف رسالت‌های بخش دولتی در راستای کاهش ایفای نقش محوری و بیکه تازی از جمله در ارائه انحصاراً‌مآبانه خدمات ترویجی | ۱۹ | ۴/۳۵ | ۰/۷۸ |
| ۲۲ | بازتعریف نقش و جایگاه بخش دولتی به‌عنوان عاملی تسهیلگر در رویه‌های مشارکتی در کنار سایر عوامل ارائه‌دهنده خدمات ترویجی | ۱۹ | ۴ | ۰/۷۹ |

ادامه جدول ۴

| ردیف | الزامات | تعداد | میانگین | انحراف معیار |
|-------|---|----------------|------------|---------------|
| ۲۳ | سامان یافتن روابط پویا و شبکه‌مدار | ۱۹ | ۴/۳۵ | ۰/۸۱ |
| ۲۴ | فعالیت کارگزاران نهادی مختلف با حیطه‌های عملیاتی متفاوت | ۱۹ | ۴/۲ | ۰/۶۹ |
| ۲۵ | باقی ماندن ترویج پایداری محیط‌زیست و مدیریت منابع طبیعی در حیطه وظایف بخش دولتی به‌ویژه در تأمین مالی، با تأکید بر شبکه‌سازی تکثرگرا از طریق همکاری تشکل‌های محلی، سازمان‌های غیردولتی و غیره | ۱۹ | ۳/۹ | ۱/۰۲ |
| ۲۶ | وجود یک عزم راهبردی رسمی در قالب سند ملی به‌عنوان چارچوبی برای فعالیت مشترک و هماهنگ بین کنشگران مختلف | ۱۹ | ۴/۴۰ | ۰/۷۵ |
| ۲۷ | نوسازی و بهسازی ساختار ترویج دولتی با توجه به رسالت‌های مورد انتظار | ۱۹ | ۴/۲۰ | ۰/۹۵ |
| ۲۸ | باز شناساندن اهمیت و جایگاه ترویج کشاورزی در نزد برنامه‌ریزان توسعه و سیاست‌گذاران امر در جهت کسب حمایت‌های لازم از سوی آن‌ها | ۱۹ | ۴/۳۵ | ۱/۰۴ |
| ۲۹ | استفاده هدفمند، ترکیبی و اقتضایی از رهیافت‌ها و روش‌های مناسب ترویجی | ۱۹ | ۴/۴۰ | ۰/۵۹ |
| ۳۰ | استفاده از رهیافت‌های مشارکتی، رهیافت ترویج قراردادی (رهیافت تخصصی کالا) و رهیافت تسهیم هزینه | ۱۹ | ۴/۳۵ | ۰/۷۱ |
| ۳۱ | گذر از نظام ترویجی دستوری به‌سوی یک نظام ترویجی مشاوره‌ای مبتنی بر تقاضا | ۱۹ | ۴/۳۰ | ۰/۷۳ |
| ۳۲ | شناسایی ارائه‌دهندگان مختلف خدمات ترویجی | ۱۹ | ۴/۱۰ | ۰/۷۵ |
| ۳۳ | نیاز به تداوم ایفای نقش دولت در جریان تأمین مالی خدمات ترویج کشاورزی | ۱۹ | ۴/۵۰ | ۰/۹۲ |
| ۳۴ | نظارت بر فعالیت ارائه‌دهندگان خدمات ترویجی | ۱۹ | ۴/۰۵ | ۰/۸۸ |
| ۳۵ | استلزامات سیاسی و ملزومات عملیاتی | ۱۹ | ۴/۲۰ | ۰/۷۶ |
| ۳۶ | تأمین امکانات سخت‌افزاری و خدمات پشتیبانی | | | |
| ۳۷ | لزوم توجه و اجرای قوانین مرتبط با نظام ترویج تکثرگرا در اسناد بالادستی نظیر احکام برنامه‌های پنج ساله و برنامه‌های قانون بودجه کشور و قانون بهره‌وری بخش کشاورزی و احکام دائمی و سایر قوانین | | | |
| ۳۸ | به‌کارگیری فناوری‌های اطلاعاتی و ارتباطاتی در بین کنشگران متنوع ترویجی | | | |
| ۳۹ | شناسایی، حمایت و هدایت نهادهای محلی (تشکل‌ها و سازمان‌های مردم‌نهاد محلی) و استفاده از ظرفیت و پتانسیل این نهادها | | | |
| ۴۰ | ارائه آموزش‌های مستمر و به‌روزرسانی دانش و مهارت کارگزاران برای ارائه خدمات فنی مرتبط (موضوعی) و بهبود توانایی تعامل و ارتباط با مخاطبان (مهارت‌های ترویجی و ارتباطی) | | | |
| ۴۱ | تغییر نگرش برنامه‌ریزان و سیاست‌گذاران و در عین حال رویه‌ها و دیدگاه‌های کارشناسان ستادی نسبت به لزوم پیاده‌سازی نظام ترویج کشاورزی تکثرگرا | | | |
| ۴۲ | تصویب قوانین جدید در حوزه نظام ترویج کشاورزی تکثرگرا به‌منظور ارائه حمایت‌های مالی و تشکیلاتی از آموزش و ترویج کشاورزی | | | |
| ۰/۷۳ | میانگین انحراف معیار | --- | --- | --- |
| تعداد | مقدار ضریب هماهنگی کندال | مقدار مربع کای | درجه آزادی | سطح معنی‌داری |
| ۱۹ | ۰/۱۰۰ | ۶۴/۴۰ | ۳۴ | ۰/۰۱ |

دور دوم دلفی

پرسشنامه دور دوم دلفی در خصوص بررسی میزان اهمیت هر یک از مؤلفه‌ها و الزامات نظام ترویج کشاورزی تکثرگرا به‌صورت ساختارمند، طراحی و در اختیار اعضای پانل دلفی قرار گرفت که نتایج به‌دست آمده از تجزیه و تحلیل داده‌های آن‌ها در ادامه شده است.

الف- مؤلفه‌های نظام ترویج کشاورزی تکثرگرا

با توجه به نتایج ارائه شده در جدول ۵، از بین ۱۲ مؤلفه بررسی شده نظام ترویج کشاورزی تکثرگرا، تنها دو مؤلفه شامل «روش‌های پایش و ارزیابی برنامه‌ها» و «روابط نهادی و محیط پیرامونی»، میانگین کمتر از چهار داشتند که به همین دلیل از

شناسایی مؤلفه‌ها و الزامات نظام ترویج کشاورزی تکثرگرا در ایران

فرایند تحلیل‌ها حذف شدند. همچنین، میانگین انحراف‌معیار پاسخ‌های اعضای پانل درباره میزان اهمیت مؤلفه‌های مورد بررسی، ۰/۵۱ به‌دست آمد. به همین ترتیب، مقدار ضریب هماهنگی کندال در این بخش، ۰/۳۰۴ محاسبه شد که در سطح ۰/۰۱ معنی‌دار بود (جدول ۵). بر این اساس، از آنجایی که میانگین انحراف‌معیار پاسخ‌ها از ۰/۷۰ در دور اول دلفی به ۰/۵۱ در دور دوم کاهش یافته و به‌طور مهم‌تر، مقدار ضریب هماهنگی کندال در دور دوم افزایش کمی (کمتر از ۰/۳) نسبت به دور اول دلفی داشت (Schmidt, 1997)، فرایند دلفی در این مرحله متوقف شده و ۱۰ مؤلفه ارزیابی شده با میانگین بالای چهار، به‌عنوان مؤلفه‌های اصلی نظام ترویج کشاورزی تکثرگرا مد نظر قرار گرفتند. در ادامه، مؤلفه‌های شناسایی شده با استفاده از ضریب‌تغییرات اولویت‌بندی شدند که نتایج آن در جدول ۵ نشان داده شده است.

جدول ۵- نتایج مرتبط با مؤلفه‌های شناسایی شده برای نظام ترویج کشاورزی تکثرگرا در دور دوم دلفی

| ردیف | مؤلفه‌ها | تعداد | میانگین | انحراف‌معیار | ضریب‌تغییرات |
|-------|---|----------------|------------|---------------|--------------|
| ۱ | ساختار سازمانی (غیرمتمرکز) | ۱۱ | ۴/۹۰ | ۰/۳۰ | ۰/۰۶ |
| ۲ | منابع اطلاعاتی (مؤسسات تحقیقات کشاورزی، دانش بومی، ارتباطات تعاملی کشاورز-مروج-محقق، مراکز آموزشی و غیره) | ۱۱ | ۴/۹۰ | ۰/۳۰ | ۰/۰۶ |
| ۳ | کارگزاران ترویج کشاورزی (بخش دولتی، بخش خصوصی، سازمان‌های غیردولتی و غیره) | ۱۱ | ۴/۸۱ | ۰/۴۰ | ۰/۰۸ |
| ۴ | منابع مالی (حمایت متوازن بخش دولتی از ترویج کشاورزی، زمینه‌سازی برای مشارکت بخش خصوصی و نهادهای محلی در تأمین منابع مالی و جلب کمک‌های مؤسسات ذی‌ربط) | ۱۱ | ۴/۸۱ | ۰/۴۰ | ۰/۰۸ |
| ۵ | سیاست‌ها و راهبردها (رویکرد اقتضایی در راستای پایداری، توسعه منابع انسانی، توانمندسازی، ظرفیت‌سازی، تقویت نهادهای محلی و غیره) | ۱۱ | ۴/۷۲ | ۰/۴۶ | ۰/۱۰ |
| ۶ | روش‌ها و کانال‌های ارتباطی (روش‌های انفرادی، روش‌های گروهی با به‌کارگیری فناوری اطلاعات و ارتباطات، رویکرد و نهضت رسانه‌ای و یادگیری چندکنشگرانه) | ۱۱ | ۴/۷۲ | ۰/۴۶ | ۰/۱۰ |
| ۷ | مخاطبان (پوشش تمامی گروه‌های مستعد مخاطبان از جمله کشاورزان خرده‌پا و گروه‌های حاشیه‌ای) | ۱۱ | ۴/۵۴ | ۰/۵۲ | ۰/۱۱ |
| ۸ | شیوه سازماندهی و مدیریت (مدیریت مشارکتی) | ۱۱ | ۴/۴۵ | ۰/۵۲ | ۰/۱۲ |
| ۹ | محتوا و موضوعات (محتوای مرتبط با نیازهای مخاطبان متنوع) | ۱۱ | ۴/۷۲ | ۰/۶۴ | ۰/۱۴ |
| ۱۰ | رهیافت‌ها (رهیافت‌های مشارکتی، رهیافت ترویج قراردادی، رهیافت تخصصی کالا و غیره) | ۱۱ | ۴/۵۴ | ۰/۶۸ | ۰/۱۵ |
| ۱۱ | روش‌های پایش و ارزیابی برنامه‌ها | ۱۱ | ۳/۹۰ | ۰/۷۰ | ۰/۱۸ |
| ۱۲ | روابط نهادی و محیط پیرامونی | ۱۱ | ۳/۹۰ | ۰/۸۳ | ۰/۱۹ |
| | میانگین | --- | ۰/۵۱ | --- | --- |
| | انحراف‌معیار | | | | |
| تعداد | مقدار ضریب هماهنگی کندال | مقدار مربع کای | درجه آزادی | سطح معنی‌داری | |
| ۱۱ | ۰/۳۰۴ | ۳۶/۷۶ | ۱۱ | ۰/۰۱ | |

با توجه به نتایج به‌دست آمده در جدول ۵، ساختار سازمانی (غیرمتمرکز) به‌عنوان یکی از اصلی‌ترین مؤلفه‌های نظام ترویج کشاورزی تکثرگرا شناسایی شد. علی‌زاده و همکاران (۱۳۹۷) نیز در مطالعه خود تمرکززدایی را به‌عنوان یکی از مؤلفه‌های تأثیر بر تحول نظام ترویج کشاورزی ایران مطرح کرده‌اند. در ساختار سازمانی غیرمتمرکز، قدرت از سطوح مرکزی یک سازمان به واحدهای تابع محلی انتقال داده شده و برنامه‌ریزی و تصمیم‌گیری یا دیگر کارکردهای مدیریتی توسط آن‌ها انجام می‌پذیرد.

این شکل از ساختار سازمانی، ضمن نزدیک کردن فرآیند تصمیم‌گیری به ارباب‌رجوعان، برنامه‌ها را با نیازهای آن‌ها سازگار و سطح پاسخگویی ارائه‌کنندگان خدمات را در برابر مخاطبان افزایش می‌دهد. همچنین، ساختار سازمانی غیرمتمرکز ضمن کاهش هزینه‌ها، می‌تواند پویایی تازه‌ای در برنامه‌ها ایجاد کرده و موجب پیشرفت ارائه‌دهندگان خدمات شود. بر اساس نتایج این پژوهش، مؤلفه بعدی از نظام ترویج کشاورزی تکثرگرا، منابع اطلاعاتی بود که بر اساس نظرات خبرگان شرکت‌کننده در این پژوهش، مهم‌ترین آن‌ها شامل مواردی همچون مؤسسات تحقیقات کشاورزی، دانش بومی، ارتباطات تعاملی کشاورز- مروج- محقق، مراکز آموزشی بودند که می‌توانند در تقویت دانش و اطلاعات مخاطبان برنامه‌های ترویجی ایفای نقش کنند. آنچه مسلم است با توجه به اینکه اثربخشی خدمات ترویجی به دسترسی کشاورزان به اطلاعات بستگی دارد، از این‌رو، چنانچه تکثرگرایی در ارائه‌دهندگان خدمات با تکثرگرایی در منابع اطلاعاتی همراه شود، مخاطبان بیشتری می‌توانند تحت‌پوشش برنامه‌های آموزشی و ترویجی قرار گرفته و به این ترتیب، عملکرد این برنامه‌ها بهبود خواهد یافت. بر پایه نتایج این پژوهش، کارگزاران ترویج کشاورزی (بخش دولتی، بخش خصوصی، تشکله‌ها و سازمان‌های غیردولتی و غیره)، از دیگر مؤلفه‌های نظام ترویج کشاورزی تکثرگرا به شمار می‌آید که به نوعی با ساختار نهادی ترویج ارتباط دارد. ساختار نهادی نظام ترویج کشاورزی تکثرگرا از طریق به‌کارگیری ظرفیت‌های بازیگران عمده نظام نوآوری کشاورزی شکل می‌گیرد که از مهم‌ترین آن‌ها می‌توان به شرکت‌های عرضه‌کننده فناوری و تأمین‌کننده نهاده‌ها، تعاونی‌ها، تشکله‌ها و سازمان‌های کشاورزان، جوامع محلی (کشاورزان پیشرو)، دانشگاه‌ها و مجامع تخصصی ملی و بین‌المللی در نظام ترویجی، اشاره کرد. به همین منوال، همان‌طور که نتایج این پژوهش نشان داد، منابع مالی را می‌توان یکی از مؤلفه‌های عمده نظام ترویج کشاورزی تکثرگرا در نظر گرفت که در این زمینه حمایت متوازن بخش دولتی از ترویج کشاورزی، زمینه‌سازی برای مشارکت بخش خصوصی و نهادهای محلی در تأمین منابع مالی و جلب کمک‌های مؤسسات ذی‌ربط حائز اهمیت است. در ساختار مالی منظور از تکثرگرایی یافتن منابع و سازوکارهای جدید برای تأمین بودجه خدمات ترویجی است که برای نمونه می‌تواند از دولت، اهداکنندگان، کشاورزان یا شرکت‌های خصوصی تأمین شود. بر اساس نتایج این پژوهش، سیاست‌ها و راهبردها یکی دیگر از مؤلفه‌های نظام ترویج کشاورزی تکثرگرا محسوب می‌شود که با رویکرد اقتضایی در راستای پایداری، توسعه منابع انسانی، توانمندسازی، ظرفیت‌سازی و تقویت نهادهای محلی می‌توانند در استقرار نظام ترویج کشاورزی تکثرگرا تأثیرگذار باشند. در همین زمینه، علی‌زاده و همکاران (۱۳۹۷) نیز در پژوهش خود پیرامون شناسایی مؤلفه‌های تأثیرگذار بر تحول نظام ترویج کشاورزی ایران به این نتیجه رسیدند که اصلاح سیاست‌ها از مؤلفه‌های اصلی تحول نظام ترویج کشاورزی ایران است.

افزون بر موارد اشاره شده، روش‌ها و کانال‌های ارتباطی از دیگر مؤلفه‌های نظام ترویج تکثرگرا است که بر اساس نتایج این پژوهش مورد تأکید قرار گرفته است. تکثرگرایی در روش‌ها و کانال‌های ارتباطی می‌تواند شامل استفاده از انواع روش‌های ارتباطی با مخاطبان باشد که از عمده‌ترین آن‌ها می‌توان به روش‌های انفرادی، روش‌های گروهی با به‌کارگیری فناوری اطلاعات و ارتباطات، رویکرد و نهضت رسانه‌ای و یادگیری چند کنشگرانه اشاره کرد. به همین ترتیب، در راستای پیاده‌سازی نظام ترویج کشاورزی تکثرگرا، مخاطبان به‌منزله یکی از مؤلفه‌های مورد توجه به شمار می‌روند، به‌نحوی که ضروری است تا تمامی گروه‌های مستعد برنامه‌های ترویجی به‌ویژه کشاورزان خرده‌پا و گروه‌های حاشیه‌ای پوشش داده شوند. با توجه به نتایج به‌دست آمده در جدول ۵، مشخص شد که شیوه سازماندهی و مدیریت مشارکتی (شامل مشارکت در هدف‌گذاری، تصمیم‌گیری، حل مشکلات و ارائه راهکارهای سازنده)، از دیگر مؤلفه‌هایی است که بایستی در طراحی و پیاده‌سازی نظام ترویج کشاورزی تکثرگرا در نظر گرفته شود. مدیریت مشارکتی سبب افزایش حس تعهد و مسئولیت‌پذیری ذی‌نفعان، مقاومت کمتر آن‌ها در برابر تغییرات سازمان و در عین حال افزایش انگیزه کار در آن‌ها می‌شود. همچنین، دستیابی به توسعه منابع انسانی، توانمندسازی و ظرفیت‌سازی که در مؤلفه سیاست‌ها و راهبردها اشاره شد، می‌تواند با مدیریت مشارکتی تسهیل شود، چراکه نظام مدیریت مشارکتی یکی از نظام‌های مدیریتی پویا محسوب می‌شود که نقش مهمی در توسعه منابع انسانی دارد. به همین ترتیب، نتایج این پژوهش نشان داد که محتوا و موضوعات از مؤلفه‌های اصلی نظام ترویج کشاورزی تکثرگرا به شمار می‌آیند. در این خصوص فائر و همکاران (Faure et al., 2016) تأکید دارند که محتوای برنامه‌های ترویجی بایستی از تمرکز صرف بر تولید محصولات کشاورزی به مجموعه وسیع‌تری از خدمات با تمرکز بر درآمد، ارتباط با بازار، امنیت غذایی، تغذیه و بهبود رفاه تغییر جهت یابد و بر روش‌های مبتنی بر تسهیلگری، فرایندهای یادگیری و افزایش ظرفیت برای

شناسایی مؤلفه‌ها و الزامات نظام ترویج کشاورزی تکثرگرا در ایران

نوآوری متمرکز شود. افزون بر این، با توجه به اینکه هدف نظام ترویج کشاورزی تکثرگرا صرفاً تمرکز بر تولید نبوده و به دنبال توانمندسازی و بهبود رفاه کشاورزان، حفاظت از منابع طبیعی و سایر موارد است، بدیهی به نظر می‌رسد که متناسب با چنین اهدافی، محتوای برنامه‌های آموزشی- ترویجی نیز تغییر یابد. در نهایت، مورد آخر از مؤلفه‌های نظام ترویج کشاورزی تکثرگرا که بر اساس نتایج این پژوهش شناسایی شد، مؤلفه رهیافت‌ها بود که بر اساس تنوع و تکثر در استفاده از رهیافت‌های مختلف از جمله رهیافت‌های مشارکتی، رهیافت ترویج قراردادی، رهیافت تخصصی کالا، رهیافت تسهیم هزینه و غیره پایه‌ریزی می‌شود.

ب- الزامات نظام ترویج کشاورزی تکثرگرا

نتایج به‌دست آمده از دور دوم دلفی برای بررسی میزان اهمیت الزامات نظام ترویج کشاورزی تکثرگرا نشان داد که از ۲۹ الزام به- دست آمده در دور اول دلفی، پنج مورد به دلیل داشتن میانگین کمتر از چهار از فرایند تحلیل کنار گذاشته شدند. همچنین، میانگین انحراف معیار پاسخ‌های اعضای پانل درباره میزان اهمیت الزامات نظام ترویج کشاورزی تکثرگرا، ۰/۵۷ و مقدار ضریب همابستگی کندال در این بخش، ۰/۳۰۷ محاسبه شد که این مقدار در سطح ۰/۰۱ معنی‌دار بود (جدول ۶). بر این اساس، با توجه به کاهش انحراف معیار از ۰/۷۳ در دور اول دلفی به ۰/۵۷ در دور دوم و در عین حال، افزایش کم (کمتر از ۰/۳) در مقدار ضریب همابستگی کندال در دور دوم (Schmidt, 1997)، فرایند تکرار دوره‌های دلفی در این مرحله پایان یافته و ۲۴ مورد ارزیابی شده با میانگین بالای چهار، به‌عنوان الزامات اصلی نظام ترویج کشاورزی تکثرگرا لحاظ شدند. در ادامه، الزامات شناسایی شده با استفاده از ضریب‌تغییرات اولویت‌بندی شدند که نتایج آن در جدول ۶ نشان داده شده است.

جدول ۶- نتایج مرتبط با الزامات شناسایی شده برای نظام ترویج کشاورزی تکثرگرا در دور دوم دلفی

| ردیف | الزامات | تعداد | میانگین | انحراف معیار | ضریب تغییرات |
|------|--|-------|---------|--------------|--------------|
| ۱ | استفاده از رهیافت‌های مشارکتی، رهیافت ترویج قراردادی (رهیافت تخصصی کالا) و رهیافت تسهیم هزینه (تسهیم هزینه خدمات ترویجی) | ۱۱ | ۵ | ۰ | ۰ |
| ۲ | تأمین امکانات سخت‌افزاری و خدمات پشتیبانی | ۱۱ | ۵ | ۰ | ۰ |
| ۳ | لزوم توجه و اجرای قوانین مرتبط با نظام ترویج کشاورزی تکثرگرا در اسناد بالادستی نظیر احکام برنامه‌های پنج ساله و برنامه‌های قانون بودجه کشور و قانون بهره‌وری بخش کشاورزی و احکام دائمی و سایر قوانین | ۱۱ | ۵ | ۰ | ۰ |
| ۴ | توجه به پوشش تمامی گروه‌ها و مخاطبان از جمله فقرا، زنان و گروه‌های آسیب‌پذیر و محروم و محدود نکردن خدمات تنها برای کشاورزان ثروتمند و عمده مالک | ۱۱ | ۴/۹۰ | ۰/۳۰ | ۰/۰۶ |
| ۵ | کاهش تصدی‌گری دولت در برخی کارکردهای ترویج کشاورزی | ۱۱ | ۴/۷۲ | ۰/۴۶ | ۰/۱ |
| ۶ | پایش و ارزشیابی مستمر از فعالیت ارائه‌دهندگان خدمات ترویجی | ۱۱ | ۴/۷۲ | ۰/۴۶ | ۰/۱ |
| ۷ | شناسایی، حمایت و هدایت نهادهای محلی (تشکل‌ها و سازمان‌های مردم‌نهاد محلی) و استفاده از ظرفیت و پتانسیل این نهادها | ۱۱ | ۴/۷۲ | ۰/۴۶ | ۰/۱ |
| ۸ | توسعه شایستگی‌های کنشگران مختلف برای بهبود عملکرد آن‌ها | ۱۱ | ۴/۷۲ | ۰/۴۶ | ۰/۱ |
| ۹ | ارائه آموزش‌های مستمر و به‌روزرسانی دانش و مهارت کارگزاران برای ارائه خدمات فنی مرتبط (موضوعی) و بهبود توانایی تعامل و ارتباط با مخاطبان (مهارت‌های ترویجی و ارتباطی) | ۱۱ | ۴/۷۲ | ۰/۴۶ | ۰/۱ |
| ۱۰ | تغییر نگرش برنامه‌ریزان و سیاست‌گذاران و در عین حال رویه‌ها و دیدگاه‌های کارشناسان ستادی نسبت به لزوم پیاده‌سازی نظام ترویج کشاورزی تکثرگرا | ۱۱ | ۴/۷۲ | ۰/۴۶ | ۰/۱ |
| ۱۱ | تصویب قوانین جدید در حوزه نظام ترویج کشاورزی تکثرگرا به‌منظور ارائه حمایت‌های مالی و تشکیلاتی از آموزش و ترویج کشاورزی | ۱۱ | ۴/۶۳ | ۰/۵۰ | ۰/۱۱ |
| ۱۲ | تنوع‌بخشی به ارائه‌دهندگان خدمات ترویجی از طریق تقویت، تشویق و دخالت دادن کنشگران غیردولتی و کارگزاران محلی | ۱۱ | ۴/۵۴ | ۰/۵۲ | ۰/۱۱ |
| ۱۳ | سازمان یافتن روابط پویا و شبکه‌مدار بین کنشگران | ۱۱ | ۴/۲۷ | ۰/۴۶ | ۰/۱۱ |
| ۱۴ | استلزامات سیاسی و پشتیبانی و ملزومات عملیاتی | ۱۱ | ۴/۵۴ | ۰/۵۲ | ۰/۱۱ |

ادامه جدول ۶

| ردیف | الزامات | تعداد | میانگین | انحراف معیار | ضریب تغییرات |
|-------|---|----------------|------------|---------------|--------------|
| ۱۵ | باز شناساندن اهمیت و جایگاه ترویج کشاورزی در نزد برنامه‌ریزان توسعه و سیاست‌گذاران امر در جهت کسب حمایت‌های لازم از سوی آن‌ها | ۱۱ | ۴/۴۵ | ۰/۵۲ | ۰/۱۲ |
| ۱۶ | نوسازی و بهسازی ساختار ترویج دولتی با توجه به رسالت‌های مورد انتظار و بازتعریف رسالت‌های بخش دولتی در راستای کاهش ایفای نقش محوری و یکه‌تازی از جمله در ارائه انحصارمآبانه خدمات ترویجی | ۱۱ | ۴/۵۴ | ۰/۶۸ | ۰/۱۵ |
| ۱۷ | گذر از نظام ترویجی دستوری به سمت یک نظام ترویجی مشاوره‌ای مبتنی بر تقاضا (مخاطب‌مداری و تقاضامداری) | ۱۱ | ۴/۲۷ | ۰/۶۴ | ۰/۱۵ |
| ۱۸ | کنشگری دولت در ظرفیت‌سازی به‌منظور حضور هماهنگ نهادهای درگیر در عرضه ترویج کشاورزی | ۱۱ | ۴/۰۹ | ۰/۷۰ | ۰/۱۷ |
| ۱۹ | هماهنگی مؤثر بین سازمان‌ها، کنشگران و ارائه‌دهندگان خدمات با تعیین مناسب نقش‌ها و فعالیت‌ها و جلوگیری از موازی کاری | ۱۱ | ۴/۰۹ | ۰/۷۰ | ۰/۱۷ |
| ۲۰ | به‌کارگیری فناوری‌های اطلاعاتی و ارتباطاتی در بین کنشگران متنوع ترویجی | ۱۱ | ۴/۴۵ | ۰/۸۲ | ۰/۱۸ |
| ۲۱ | تدوین محتوای برنامه‌های ترویجی مبتنی بر اولویت‌ها، سیاست‌ها و قوانین راهبردی در سطح ملی و منطقه‌ای | ۱۱ | ۴ | ۰/۷۷ | ۰/۱۹ |
| ۲۲ | تفویض اختیارات بخش دولتی به نهادهای خصوصی، تعاونی و نهادهای محلی | ۱۱ | ۴/۵۴ | ۰/۹۳ | ۰/۲ |
| ۲۳ | تدوین سند راهبردی برای پایدارسازی نظام ترویج کشاورزی تکثرگرا متناسب با نظام دانش، اطلاعات و فناوری کشاورزی | ۱۱ | ۴/۰۹ | ۰/۸۳ | ۰/۲ |
| ۲۴ | بازتعریف نقش و جایگاه بخش دولتی به‌عنوان عاملی تسهیلگر در رویه‌ای مشارکتی در کنار سایر عوامل ارائه‌دهنده خدمات ترویجی | ۱۱ | ۳/۷۲ | ۰/۷۸ | ۰/۲۱ |
| ۲۵ | استفاده هدفمند، ترکیبی و اقتضایی از رهیافت‌ها و روش‌های ترویجی متناسب با شرایط محلی | ۱۱ | ۳/۹۰ | ۰/۸۳ | ۰/۲۱ |
| ۲۶ | تدوین و مستندسازی محتوای مرتبط با نیاز مخاطبان | ۱۱ | ۳/۹۰ | ۰/۸۳ | ۰/۲۱ |
| ۲۷ | شناسایی و تفویض و تقسیم کار مناسب بین ارائه‌دهندگان خدمات ترویجی | ۱۱ | ۴ | ۰/۸۹ | ۰/۲۲ |
| ۲۸ | رقابت ارائه‌دهندگان خدمات ترویجی | ۱۱ | ۳/۳۶ | ۰/۸۰ | ۰/۲۴ |
| ۲۹ | تدوین قوانین و ضوابط هماهنگ‌ساز توسط بخش دولتی | ۱۱ | ۳/۳۶ | ۰/۸۰ | ۰/۲۴ |
| | میانگین انحراف معیار | --- | --- | ۰/۵۷ | --- |
| تعداد | مقدار ضریب هماهنگی کندال | مقدار مربع کای | درجه آزادی | سطح معنی‌داری | |
| ۱۱ | ۰/۳۷ | ۱۱۳/۲۰۴ | ۲۸ | ۰/۰۱ | |

لازم به ذکر است که با توجه به زیاد بودن تعداد الزامات نهایی شده (موارد با میانگین بالای چهار در جدول ۶) و با هدف دسته‌بندی و انسجام بخشیدن به موارد شناسایی شده، با استفاده از تکنیک تحلیل محتوای کیفی با رویکرد تلخیصی، این موارد بر اساس تناسب مفهومی و قرابت معنایی مفاهیم در قالب ۱۰ دسته مختلف، خلاصه و طبقه‌بندی شدند (جدول ۷). با توجه به نتایج به‌دست آمده، یکی از الزامات اساسی پیاده‌سازی نظام ترویج کشاورزی تکثرگرا که در بخش مؤلفه‌ها نیز بر اهمیت آن تأکید شد، توجه به رهیافت‌های ترویجی مختلف بود. البته، در بین رهیافت‌های مختلف، نظام ترویج کشاورزی تکثرگرا بیشتر به دنبال استفاده از روش‌های ترویجی مشارکت‌محور است، چراکه اگر مخاطبان به‌منزله یکی از ارکان اصلی نظام ترویج کشاورزی، با ابعاد و ارکان مختلف نظام ترویج درگیر باشند، برنامه‌های ترویجی اثربخش‌تر خواهند بود. در واقع، زمینه‌سازی بیشتر برای مشارکت کشاورزان و مخاطبان مختلف در برنامه‌های ترویجی از فرصت‌های کلیدی نظام ترویج تکثرگرا و از رویکردهای مؤثر بر ارتقای خدمات ترویجی و مشاوره‌ای محسوب می‌شود (Sajesh et al., 2018). مشارکت کشاورزان در ارائه خدمات ترویجی، می‌تواند از برنامه‌ریزی مشارکتی تا ترویج کشاورز به کشاورز و پرداخت هزینه خدمات را

شناسایی مؤلفه‌ها و الزامات نظام ترویج کشاورزی تکثرگرا در ایران

در برگیرد که نیازمند سرمایه اجتماعی و در دسترس بودن منابع کافی است. همان‌طور که نتایج این پژوهش نشان داد، توسعه امکانات و خدمات پشتیبانی، از دیگر الزامات مطرح شده برای نظام ترویج کشاورزی تکثرگرا بود که عمدتاً ناظر بر تأمین امکانات سخت‌افزاری و خدمات پشتیبانی، ملزومات عملیاتی و به‌کارگیری فناوری‌های اطلاعاتی و ارتباطاتی در بین کنشگران متنوع ترویجی است (رضائی‌مقدم و فاطمی، ۱۳۹۸). در این بین، برخورداری از زیرساخت‌های مناسب برای فناوری‌های اطلاعاتی و ارتباطاتی از اهمیت بیشتری برخوردار است به‌نحوی که کارکنان میدانی ترویج می‌توانند با استفاده از آن، ساختار مدیریت "از بالا به پایین" را دور بزنند و با دسترسی راحت به اطلاعات فنی و روزآمد بازار، تمامی کشاورزان کوچک و حاشیه‌ای را در سرتاسر پهنه عملیاتی خود تحت‌پوشش قرار دهند.

جدول ۷- نتایج تحلیل محتوای کیفی برای دسته‌بندی الزامات نظام ترویج کشاورزی تکثرگرا در ایران

| ردیف | شماره مورد (در جدول ۶) | نام دسته |
|------|---------------------------|---|
| ۱ | ۱ | توجه به رهیافت‌های ترویجی مختلف |
| ۲ | ۲، ۱۴ و ۲۰ | توسعه امکانات و خدمات پشتیبانی |
| ۳ | ۷، ۱۰، ۱۲، ۱۵، ۱۷، ۱۸، ۲۳ | الزامات ساختاری |
| ۴ | ۵، ۱۶، ۲۲، ۲۷ | کاهش تصدی‌گری دولت |
| ۵ | ۳ و ۱۱ | الزامات قانونی |
| ۶ | ۴ | پوشش فراگیر گروه‌ها و مخاطبان |
| ۷ | ۶ | پایش و ارزشیابی مستمر |
| ۸ | ۱۳ و ۱۹ | شبکه‌سازی و هماهنگی بین کنشگران |
| ۹ | ۸ و ۹ | ظرفیت‌سازی و توسعه شایستگی‌های حرفه‌ای |
| ۱۰ | ۲۱ | محتواسازی هدفمند برای برنامه‌های ترویجی |

بر اساس نتایج این پژوهش، الزامات قانونی، کاهش تصدی‌گری دولت و الزامات ساختاری، سه مورد از الزامات اساسی برای پیاده‌سازی نظام ترویج کشاورزی تکثرگرا بودند. بدیهی است که نظام ترویج تکثرگرا در راستای رسیدن به اهداف خود بایستی پشتوانه قانونی و سیاسی لازم را داشته باشد. از سوی دیگر، لازمه پیاده‌سازی مطلوب ترویج کشاورزی تکثرگرا، وجود نظام ترویجی مشاوره‌ای مبتنی بر تقاضا است. بر این اساس، ضروری است ساختار ترویج دولتی تغییر یافته و در جهت حضور و ایفای نقش کنشگران متعدد، نوسازی و بهسازی آن به شکل جدی در دستور کار قرار گیرد. همچنین، برای پیاده‌سازی نظام ترویج تکثرگرا اصولاً ساختار مالی و نهادی نظام ترویج بایستی به سمت تکثرگرایی تغییر پیدا کند. به بیان دیگر، هم در بخش ارائه خدمات و در بخش تأمین مالی ضروری است که زمینه و بستر حضور کنشگران غیردولتی و خصوصی و در عین حال تشکل‌های کشاورزی فراهم گردد. از جمله الزاماتی که با ساختار نهادی مرتبط هستند می‌توان به شناسایی، حمایت و هدایت نهادهای محلی (تشکل‌ها و سازمان‌های مردم‌نهاد محلی) و استفاده از ظرفیت و پتانسیل این نهادها، تنوع‌بخشی به ارائه‌دهندگان خدمات ترویجی از طریق تقویت، تشویق و دخالت دادن کنشگران غیردولتی و کارگزاران محلی اشاره کرد. لازم به ذکر است که در بحث نوسازی و بهسازی ساختار ترویج دولتی در چارچوب نظام ترویج کشاورزی تکثرگرا، ضروری است که بخش دولتی همچنان وظایف مهمی از جمله فراهم کردن اطلاعات، تنظیم مقررات، ارتقا و کنترل کیفیت، اصلاح برنامه ترویج و هماهنگی بین اجزاء نظام را بر عهده داشته باشد و سایر وظایف ترویج دولتی در اختیار سایر کنشگران در بخش‌های غیردولتی، خصوصی و تشکل‌های محلی قرار گیرد.

با توجه به نتایج این پژوهش، گروه دیگری از الزامات که بر اساس نظرات خبرگان مورد تأکید قرار گرفته، توجه به پوشش فراگیر گروه‌ها و مخاطبان بود که به‌منزله یکی از مؤلفه‌های اصلی نظام ترویج کشاورزی تکثرگرا نیز مطرح شد. از آنجایی که فقدان شبکه گسترده ترویجی با پوشش کافی برای مخاطبان، همواره یکی از چالش‌های عمده نظام ترویج کشاورزی متعارف

بوده است (فعلی و همکاران، ۱۳۹۴) از این رو، اطمینان از پوشش کافی جمعیت روستایی، از مهم‌ترین موضوعات نظام ترویج کشاورزی تکثرگرا به حساب می‌آید. به‌طور کلی، ترویج تکثرگرا در راستای انجام رسالت خود بایستی از پوشش تمامی طیف‌های مخاطبان خود از جمله گروه‌های آسیب‌پذیر اطمینان حاصل کند (Bett & Secretary, 2017). به همین منوال، بر اساس نتایج این پژوهش مشخص شد که پایش و ارزشیابی مستمر بر فعالیت ارائه‌دهندگان خدمات ترویجی از الزامات اصلی شناسایی شده برای پیاده‌سازی مطلوب نظام ترویج کشاورزی تکثرگرا بود. از دیدگاه دمیس و همکاران (Demisse *et al.*, 2011)، عدم پایش و ارزشیابی خدمات ترویجی از محدودیت‌های اصلی ترویج کشاورزی در گذشته و حال بوده است که می‌بایست در قالب نظام ترویج کشاورزی تکثرگرا به‌طور جدی مورد توجه قرار گیرد. در واقع، برخورداری از سازوکارهای مؤثر برای پایش، ارزشیابی و یادگیری از جمله پیش‌نیازها و ضروریات اصلی نظام ترویج کشاورزی تکثرگرا قلمداد می‌شود. آنچه مسلم است در این خصوص هم کارکنان ترویج و هم مخاطبان باید ظرفیت مشارکت، نظارت و ارزشیابی برنامه‌های ترویج را کسب کنند (Bett & Secretary, 2017).

در ادامه، نتایج این پژوهش نشان داد که شبکه‌سازی و هماهنگی بین کنشگران، یکی دیگر از الزامات اساسی نظام ترویج کشاورزی تکثرگرا بود. در واقع، هماهنگی بین ارائه‌دهندگان مختلف خدمات و ارائه خدمات متناسب با نیاز مشتری از عوامل مؤثر بر کارآمدی نظام ترویج کشاورزی تکثرگرا و از شیوه‌های اصلی بهبود عملکرد آن به شمار می‌آید به نحوی که نتایج پژوهش راگاسا و همکاران (Ragasa *et al.*, 2016) حاکی از آن است که به‌رغم داشتن یکی از بالاترین نسبت‌های مروج به کشاورز و یک نظام ترویج تکثرگرا در کشور کنگو، نبود هماهنگی مناسب سبب شده است تا عملکرد نظام ترویج کشاورزی در این کشور موفقیت‌آمیز نباشد. در این زمینه، علی‌میرزائی و همکاران (Alimirzae *et al.*, 2019) خاطرنشان می‌کنند، با وجود اینکه تکثرگرایی در خدمات مشاوره‌ای امکان استفاده از مزایای رقابتی ارائه‌دهندگان مختلف را فراهم می‌کند، اما چالش اصلی در نظام ترویج کشاورزی تکثرگرا، هماهنگی سازمان‌هایی است که ذهنیت و جهان‌بینی بسیار متفاوتی دارند. عدم هماهنگی بین نهادهای مختلف منجر به توصیه‌های فنی متناقض و ایجاد سردرگمی در بین کشاورزان می‌شود؛ از این رو، دولت‌ها باید مسئولیت هماهنگی، نظارت فنی و کنترل کیفیت خدمات را بر عهده بگیرند.

افزون بر موارد اشاره شده، بر پایه نتایج این پژوهش مشخص شد که ظرفیت‌سازی و توسعه شایستگی‌های حرفه‌ای، از الزامات عمده برای پیاده‌سازی نظام ترویج کشاورزی تکثرگرا بود. همسو با این یافته، رضائی‌مقدم و فاطمی (۱۳۹۸) در پژوهش خود از تقویت منابع انسانی به‌مثابه یکی از اصلی‌ترین راهبردهای بهبود نظام نوین ترویج کشاورزی در ایران یاد می‌کنند. اصولاً هدف از تکثرگرایی، حرکت نظام ترویج کشاورزی به سمت و سویی است که هر مخاطبی بتواند خدمات مورد نیاز خود را دریافت کند و لازمه این کار، آموزش مستمر و به‌روز دانش کنشگران این عرصه است که همواره جزء دلوآپسی‌های نظام ترویج کشاورزی بوده و بایستی به‌طور جدی مورد توجه قرار گیرد. در نهایت، گروه آخر از الزامات نظام ترویج کشاورزی تکثرگرا که بر اساس نظرات خبرگان شرکت‌کننده در این پژوهش بر آن تأکید شده است، مربوط به محتواسازی هدفمند برای برنامه‌های ترویجی بود که به اهمیت آن به‌عنوان یکی از مؤلفه‌های اصلی نظام ترویج کشاورزی تکثرگرا در بخش‌های پیشین اشاره شد.

نتیجه‌گیری و پیشنهادها

طی سال‌های اخیر، نظام ترویج کشاورزی در ایران همواره با نارسائی‌ها و چالش‌های پرشماری مواجه بوده است. بر این اساس، در سال ۱۳۹۴ نظام نوین ترویج کشاورزی با هدف رفع چالش‌های فراروی ترویج کشاورزی و ارتقای عملکرد برنامه‌های ترویجی، طراحی و اجرا شد. یکی از مهم‌ترین مأموریت‌های نظام نوین ترویج کشاورزی، تکثرگرایی و به‌کارگیری ظرفیت‌های تمامی کنشگران مختلف ترویج کشاورزی است. در ایران هم با وجود اینکه بستر مناسبی برای شکل‌گیری نظام ترویج کشاورزی تکثرگرا وجود دارد، ولی به دلیل نبود شناخت کافی پیرامون مؤلفه‌ها و الزامات پیاده‌سازی این نظام، فرایند اجرای آن با دشواری روبرو شده است. با توجه به اهمیت موضوع، این پژوهش با هدف «شناسایی مؤلفه‌ها و الزامات نظام ترویج کشاورزی تکثرگرا در ایران» انجام گرفت.

به‌طور کلی، نتایج این پژوهش نشان داد که طراحی نظام ترویج کشاورزی تکثرگرا در ایران نیازمند توجه به مؤلفه‌های مختلفی است که اصلی‌ترین آن‌ها شامل ساختار سازمانی، منابع اطلاعاتی، کارگزاران ترویج کشاورزی، منابع مالی، سیاست‌ها و راهبردها، روش‌ها و کانال‌های ارتباطی، مخاطبان، شیوه سازماندهی و مدیریت، محتوا و موضوعات و رهیافت‌ها، بودند. در واقع، این مؤلفه‌ها را می‌توان به‌مثابه شالوده‌ها و عناصر سازنده‌ای در نظر گرفت که طراحی و شکل‌دهی یک نظام مطلوب از ترویج کشاورزی تکثرگرا، بدون توجه ویژه به آن‌ها امری دشوار به نظر می‌رسد. افزون بر این، بر مبنای یافته‌های این پژوهش مشخص شد که به موازات مؤلفه‌های شناسایی شده، الزامات مختلفی نیز به‌عنوان بایستگی‌ها و پیش‌نیازهای ضروری برای اجرا و عملیاتی کردن نظام ترویج کشاورزی تکثرگرا دخیل هستند که اصلی‌ترین آن‌ها شامل توجه به رهیافت‌های ترویجی مختلف، توسعه امکانات و خدمات پشتیبانی، الزامات ساختاری، کاهش تصدی‌گری دولت، الزامات قانونی، پوشش فراگیر گروه‌ها و مخاطبان، پیش و ارزشیابی مستمر، شبکه‌سازی و هماهنگی بین کنشگران، ظرفیت‌سازی و توسعه شایستگی‌های حرفه‌ای و محتواسازی هدفمند برای برنامه‌های ترویجی، بودند. در مجموع، با در نظر گرفتن تعدد مؤلفه‌ها و الزامات شناسایی شده، می‌توان نتیجه گرفت که نظام ترویج کشاورزی تکثرگرا به‌منزله یک پدیده پیچیده و چندبعدی به شمار می‌آید که برای پیاده‌سازی مطلوب آن ضروری است با اتخاذ رویکردی کل‌گرایانه، تمامی ابعاد نظام ترویج تکثرگرا و روابط میان آن‌ها به‌صورت نظام‌مند و یکپارچه در نظر گرفته شوند.

بر پایه نتایج به‌دست آمده از این پژوهش، پیشنهادهای زیر ارائه می‌شوند:

۱- با توجه به نتایج این پژوهش مبنی بر اهمیت عامل کاهش تصدی‌گری دولت به‌عنوان یکی از الزامات اصلی نظام ترویج کشاورزی تکثرگرا، پیشنهاد می‌شود که ترویج دولتی به‌منظور کاهش بار مالی و افزایش کارآمدی خدمات و نیز افزایش سطح پوشش مخاطبان خود، انجام برخی از کارکردهای ترویجی را به کنشگران غیردولتی و بخش خصوصی واگذار نموده و به جای آن، نقشی تسهیلگرانه برای هماهنگ‌سازی فعالیت‌های آن‌ها و در عین حال نظارتی هدایت‌گرانه در روند ارائه خدمات ترویجی از سوی آن‌ها بر عهده بگیرد. همچنین، از آنجایی که اهمیت مدیریت مشارکتی به‌مثابه یکی از مؤلفه‌های نظام ترویج کشاورزی تکثرگرا در این پژوهش مورد تأکید قرار گرفت، پیشنهاد می‌شود که بخش دولتی زمینه لازم را برای نهادینه شدن مشارکت مردم در پرتو تشکلهای محلی، سرمایه اجتماعی و جامعه مدنی فراهم کرده و با ارائه محرک‌های لازم همانند یارانه‌ها، تعرفه‌های مالیاتی و اعتبارات بانکی، از کارآفرینان ترویج خصوصی و بهبود عملکرد آن‌ها حمایت کند.

۲- با توجه به نتایج این پژوهش مبنی بر اهمیت محتواسازی هدفمند برای برنامه‌های ترویجی به‌منزله یکی از الزامات اجرای موفقیت‌آمیز نظام ترویج کشاورزی تکثرگرا، پیشنهاد می‌گردد که دانش فنی ضروری و مبتنی بر تحقیقات برای حل مسائل کشاورزان، به‌کارگیری دانش بومی، محلی و تجارب عملی کشاورزان، توصیه‌های فنی سازگار با شرایط اقلیمی و جغرافیایی منطقه، نیازهای آموزشی- ترویجی در حال تغییر کشاورزان و نوع نظام بهره‌برداری، در طراحی و تدوین محتوای مناسب برای مخاطبان مختلف نظام ترویج کشاورزی مورد توجه قرار گیرد.

۳- همان‌طور که نتایج این پژوهش نشان داد، توسعه امکانات و خدمات پشتیبانی از الزامات مهم نظام کشاورزی ترویج تکثرگرا بود، بر این اساس، پیشنهاد می‌شود که با تقویت زیرساخت‌های فناورانه در کشور زمینه و بستر مورد نیاز برای به‌کارگیری فناوری‌های اطلاعاتی و ارتباطاتی در بین کنشگران متنوع ترویجی و در عین حال مخاطبان ترویج کشاورزی فراهم گردد. همچنین، با توجه به اهمیت مؤلفه رهیافت‌های ترویجی در راستای اجرای نظام ترویج کشاورزی تکثرگرا، استفاده ترکیبی و اقتضایی از رهیافت‌ها و روش‌های مختلف ترویجی متناسب با شرایط محلی مخاطبان و نیز موضوع و محتوای برنامه‌های ترویجی پیشنهاد می‌شود.

۴- به استناد نتایج این پژوهش مشخص شد که شبکه‌سازی و هماهنگی بین کنشگران از الزامات عمده پیاده‌سازی نظام ترویج کشاورزی تکثرگرا بود، از این‌رو، پیشنهاد می‌شود که بخش دولتی در یک محیط نهادی متکثر، با تدوین ضوابط و قوانین هماهنگ‌ساز و حمایت تسهیلگرانه و شبکه‌سازی هماهنگ‌تر و تعیین مناسب نقش‌ها و فعالیت‌های کنشگران، از همپوشانی‌های ناکارآمد و رقابت‌های ناسالم جلوگیری نموده و از ظرفیت آن‌ها به‌صورت هم‌افزایانه برای پایدارسازی خدمات ترویجی از بعد نهادی و مالی بهره بگیرد. بدون تردید، کارکرد هماهنگی بین کنشگران به‌عنوان نقش عمده دولت به کنترل‌گری

و اعمال قدرت محدود نمی‌شود، بلکه مدیریت مشارکتی، بهبود روند تبادل اطلاعات و تسهیلگری، نظارت هدایت‌گرانه و تسهیل خودگردانی نهادی در روند عرضه خدمات ترویجی را نیز در برمی‌گیرد.

۵- با در نظر گرفتن نتایج این پژوهش در خصوص اهمیت الزامات قانونی برای پیاده‌سازی نظام ترویج کشاورزی تکثرگرا، پیشنهاد می‌گردد که قوانین مرتبط با نظام ترویج کشاورزی تکثرگرا در اسناد بالادستی نظیر برنامه‌های پنج ساله، بودجه سنواتی، قانون بهره‌وری بخش کشاورزی و سایر قوانین مورد توجه قرار گرفته و زمینه اجرای فراگیر آن فراهم گردد.

۶- بر اساس نتایج این پژوهش مبنی بر ضرورت ظرفیت‌سازی و توسعه شایستگی‌های حرفه‌ای کنشگران در راستای پیاده‌سازی نظام ترویج کشاورزی تکثرگرا، پیشنهاد می‌شود با توجه به اینکه ظرفیت‌سازی و کمک به توسعه نهادی و حرفه‌ای ارائه‌کنندگان بدیل خدمات ترویجی، به‌ویژه در دوره گذار نهادی، به‌عنوان یک سرمایه‌گذاری مهم برای بخش دولتی محسوب می‌شود، بخش دولتی پس از شناسایی و تهیه بانک اطلاعاتی کنشگران مختلف تأمین و عرضه خدمات ترویجی، با استفاده از سازوکارهای مناسب از جمله ساماندهی و تقویت گروه‌ها و تشکل‌های محلی، به‌هم پیوستن تشکل‌های تولیدی و نهادهای محلی با هدف شکل‌گیری تشکیلات و اتحادیه‌های قدرتمند و سازمان‌های اجتماع‌محور، کمک به مشاوران بخش خصوصی و سایر موارد، در راستای ظرفیت‌سازی کنشگران حرکت نماید.

منابع

- ایزدی، ن.، و یعقوبی فرانی، ا. (۱۳۹۶). تعیین کارکرد سازمان‌ها در نظام ترویج تکثرگرا در راستای توسعه روستایی ایران. *مجله راهبردهای توسعه روستایی*، دوره ۴، شماره ۱، صص ۱۹-۳.
- جعفری، ن.، کرمی، ع.، و کشاورز، م. (۱۳۹۹). اثرات طرح نظام نوین ترویج کشاورزی بر ارتقای دانش و تغییر رفتار کشاورزان استان فارس. *علوم ترویج و آموزش کشاورزی ایران*، دوره ۱۶، شماره ۲، صص ۳۸-۲۱.
- حسینی، س.م.، و شریف‌زاده، ا. (۱۳۸۷). *سناریوهای بهسازی ترویج کشاورزی: در جستجوی یک پارادایم نوین*. کرج: نشر آموزش کشاورزی.
- خدادادی، ب. (۱۳۹۵). مشکلات و چالش‌های طرح نظام نوین ترویج و طرح پهنه‌بندی. گزارش فنی، وزارت جهاد کشاورزی، تهران.
- دنسکامب، م. (۱۴۰۰). *راهنمای پژوهش خوب در پروژه‌های تحقیقات اجتماعی کوچک‌مقیاس*. ترجمه روح‌اله رضائی و لیلا صفا. زنجان: انتشارات دانشگاه زنجان.
- دهقانی، م.، یعقوبی، ن.، موعلی، ع.، و وظیفه، ز. (۱۳۹۸). ارائه مدل جامع عوامل مؤثر بر استقرار اثربخش مدیریت دانش. *مجله رهیافتی‌نودر مدیریت آموزشی*، دوره ۱۰، شماره ۱، صص ۱۳۲-۱۱۰.
- رحمانی، ع.، وزیرینژاد، ر.، احمدی‌نیا، ح.، و رضائیان، م. (۱۳۹۹). مبانی روش‌شناختی و کاربردهای روش دلفی: یک مرور روایی. *مجله دانشگاه علوم پزشکی رفسنجان*، دوره ۱۹، شماره ۵، صص ۵۳۸-۵۱۵.
- رسولی، ر.، موعلی، ع.، و رشیدی، م. (۱۳۹۳). طراحی مدل تقویت ماندگاری سازمانی کارکنان دانش‌پایه: با استفاده از فن دلفی. *مجله مشاوره شغلی و سازمانی*، دوره ۶، شماره ۲۱، صص ۹۴-۶۶.
- رضائی مقدم، ک.، و فاطمی، م. (۱۳۹۸). *راهبردهای بهبود نظام نوین ترویج کشاورزی ایران. علوم ترویج و آموزش کشاورزی ایران*، دوره ۱۵، شماره ۲، صص ۲۵۱-۲۲۳.
- رضائی‌مقدم، ک.، و اسداله‌پور، ع. (۱۳۹۷). *بازاندیشی مفهومی ترویج کشاورزی ایران*. کرج: انتشارات آموزش کشاورزی.
- رعنائی کردشولی، ح.، و مرتضوی، م. (۱۳۹۵). *اصلاحات ساختاری در نظام ترویج کشاورزی ایران*. کرج: انتشارات آموزش کشاورزی.
- عباس‌زاده، م. (۱۳۹۱). تأملی بر اعتبار و پایایی در تحقیقات کیفی. *مجله جامعه‌شناسی کاربردی*، دوره ۲۳، شماره ۱، صص ۳۴-۱۹.

- علی‌زاده، ن.، علی‌پور، ح.، میرترابی، م.، و مؤذن، ز. (۱۳۹۷). مؤلفه‌های تأثیرگذار بر تحول نظام ترویج کشاورزی ایران. *مجله تحقیقات اقتصاد و توسعه کشاورزی ایران*، دوره ۴۹، شماره ۲، صص ۳۳۱-۳۴۵.
- فعلی، س.، پزشکی‌راد، غ.، صدیقی، ح.، شهبازی، ا.، و قریشی، س. (۱۳۹۴). عوامل بیرونی مؤثر بر نظام ترویج کشاورزی ایران تا افق سال ۱۴۰۴. *مجله تحقیقات اقتصاد و توسعه کشاورزی ایران*، دوره ۴۶، شماره ۱، صص ۱۵۷-۱۶۶.
- کریمی‌گوغری، ح.، رضایی مقدم، ک.، و رضایی، ع. (۱۳۹۷). تحلیل شبکه اجتماعی رویکردی نوین در تبیین نظام ترویج و آموزش کشاورزی تکثرگرا: مورد مطالعه استان کرمان. *مجله تحقیقات اقتصاد و توسعه کشاورزی ایران*، دوره ۴۹، شماره ۲، صص ۳۱۱-۳۲۹.
- کریمی‌گوغری، ح.، رضائی‌مقدم، ک.، زمانی، غ.، حیاتی، د.، و رضایی، ع. (۱۳۹۶). واکاوی شبکه نهادی ترویج و آموزش کشاورزی استان کرمان: کاربرد تحلیل شبکه اجتماعی. *علوم ترویج و آموزش کشاورزی ایران*، دوره ۱۳، شماره ۲، صص ۱۵۱-۱۳۱.
- نیکویه، م.، شیروانی ناغانی، م.، درویشی سه‌تلانی، ف.، و بیات، ر. (۱۳۹۹). شناسایی و اولویت‌بندی عوامل چندزمینه‌ای مؤثر بر روند فرار مغزها (تحلیل و پیش‌نگری موجه چهارم این پدیده در ایران: از ۱۳۹۰ تا افق ۱۴۰۴). *مجله مجلس و راهبرد*، دوره ۲۷، شماره ۱۰۴، صص ۱۲۷-۱۵۴.

- Abdu-Raheem, K. A., and Worth, S. H. (2016). Suggesting a new paradigm for agricultural extension policy: The case of West African countries. *South African Journal of Agricultural Extension*, 44(2), 216-230.
- Alimirzaei, E., Hosseini, S. M., Hejazi, Y., and Movahed Mohammadi, H. (2019). Executive coherence in Iranian pluralistic agricultural extension and advisory system. *Journal of Agricultural Science and Technology*, 21(3), 531-543.
- Anandajayasekeram, P., Puskur, R., Sindu, W., and Hoekstra, D. (2008). Concepts and practices in agricultural extension in developing countries: A source book. IFPRI (International Food Policy Research Institute), Washington, DC, USA, and ILRI (International Livestock Research Institute), Nairobi, Kenya. pp 275.
- Bebe, B. O., Gowland, M. J., and Nicholas, O. (2016). Changes in agri-business outcomes among the dairy beneficiaries of contracted extension service delivery model in Kenya. *Journal of Agricultural Extension*, 20(1), 53-65.
- Bett, W., and Secretary, C. (2017). Guidelines and standards for agricultural extension and advisory services. Technical report, ministry of agriculture, livestock and fisheries, Kenya.
- Demisse, B., Awulachew, S., Adenew, B., and Mengiste, A. (2011). Creating extension service delivery through public-private partnership. In Awulachew, Seleshi Bekele, Erkosso, Teklu, Balcha, Y. (Comps.). *Irrigation and Water for Sustainable Development: Proceedings of the Second Forum, Addis Ababa, Ethiopia, 15-16 December 2008*. Colombo, Sri Lanka: International Water Management Institute (IWMI). pp.74-77.
- Faure, G., Davis, K. E., Ragasa, C., Franzel, S., and Babu, S. C. (2016). Framework to assess performance and impact of pluralistic agricultural extension systems: The best-fit framework revisited. IFPRI Discussion Paper 01567, Development Strategy and Governance Division.
- Gêmo, H.R., Stevens, J.B., and Chilonda, P. (2013). The role of a pluralistic extension system in enhancing agriculture productivity in Mozambique. *South African Journal of Agricultural Extension*, 41(1), 59-75.
- Goodman, C. M. (1987). The Delphi technique: A critique. *Journal of Advanced Nursing*, 12(6), 729-34.
- Jadallah, A. E., Omar, Abu Bakar, A. H., and Jais, H. M. (2011). The impact of the decentralization and Pluralism policy on agricultural extension services. *Journal of Agricultural Technology*, 7(4), 895-901.
- Knierim, A., Labarthe, P., Laurent, C., Prager, K., Kania, J., Madureira, L., and Ndah, T.H. (2017). Pluralism of agricultural advisory service providers: Facts and insights from Europe. *Journal of Rural Studies*, 55, 45-58.
- Maertens, A., Michelson, H., and Nourani, V. (2020). How do farmers learn from extension services? Evidence from Malawi. *American Journal of Agricultural Economics*, 103(2), 569-595.
- Powell, C. (2003). The Delphi Technique: Myths and Realities, *Methodological Issues in Nursing Research*, 41(4), 376-382.
- Ragasa, C., Ulimwengu, J., Randriamamonjy, J., and Badibanga, T. (2016). Factors affecting performance of agricultural extension: evidence from Democratic Republic of Congo. *The Journal of Agricultural Education and Extension*, 22(2), 113-143.

- Roy, J. (2018). Pluralistic extension approach for the rural transformation: Policy initiative. *Journal of Energy Research and Environmental Technology (JERET)*, 5(2), 27-29.
- Sajesh, V. K., Padaria, R. N., and Sadamate, V. V. (2018). Pluralism in agricultural extension in India: Imperatives and implications. *Economic Affairs*, 63(4), 1017-1025.
- Schmidt R. C. (1997). Managing Delphi surveys using nonparametric statistical techniques. *Decision Sciences*, 28(3), 763-774.
- Singh, K. M., Swanson, B. E., and Meena, M. S. (2013). Reforming India's pluralistic extension system: Some policy issues. ICAR-RCER, Patna, University of Illinois at Urbana-Champaign 7 August 2013. Available at: <SSRN: <https://ssrn.com/abstract=2306980> or <http://dx.doi.org/10.2139/ssrn.2306980>>.

Article Type: Research Article

DOR: [20.1001.1.20081758.1402.19.1.4.4](https://doi.org/10.1001.1.20081758.1402.19.1.4.4)

Identifying the Components and Imperatives of the Pluralistic Agricultural Extension System in Iran

M. Osmanpour^{1*}, R. Rezaei², F. Eskandari³ and A. Momvandi⁴

(Received: Mar. 07. 2023; Accepted: Jun. 03. 2023)

Abstract

The agricultural extension system has always needed transformation and structural adjustment from different dimensions; In order to achieve this goal, some reformative institutional approaches such as pluralism have been proposed. Therefore, the purpose of present mixed (qualitative-quantitative) study was to identify the components and imperatives of the pluralistic agricultural extension system in Iran which was performed using Delphi technique. The panel members included 20 people in the first round and 11 people in the second round who were selected purposefully based on their education level, research records, and having sufficient experience in the field of pluralistic agriculture extension. In order to analyze the data using SPSS software, statistical values including mean, standard deviation, coefficient of variation, and Kendall's correlation coefficient were calculated. After doing two rounds of the Delphi technique, 10 main components for a pluralistic agricultural extension system were identified that were including organizational structure, information sources, agricultural extension agents, financial resources, policies and strategies, communication methods and channels, audiences, organizational and management methods, content and topics, and approaches. Also, the implementation of the Delphi technique in the second round led to the identification of 24 different imperatives for the pluralistic agriculture extension system in Iran, which were identified using the qualitative content analysis technique with a summarization approach. Based on the conceptual fit and semantic proximity of the concepts, these imperatives were categorized into 10 general groups including attention to extensional approaches, development of facilities and support services, structural imperatives, reduction of government tenure, legal imperatives, comprehensive coverage of groups and audiences, persistent monitoring and evaluation, networking and coordination between actors, capacity building, and development of professional skills and targeted content creation for extensional programs. In general, paying attention to the components and imperatives identified in this research can in practice be a suitable guide for designing a desirable model of pluralist agriculture extension system and implementing such a system in the country.

Key words: Structural reforms, New agricultural extension system, Ideal model, Approaches.

¹ Ph.D Student of Sustainable Agriculture Extension, Zanjan University, Zanjan, Iran.

² Professor of Extension, Communication and Rural Development Department of Zanjan University, Zanjan, Iran.

³ Assistant Professor of Agricultural Extension and Education Department of Kurdistan University, Sanandaj, Iran.

⁴ Director General of Agricultural Science and Technology Extension Office of Education and Extension Institute, Tehran, Iran.

* Corresponding Author, Email: osmanpour60@gmail.com

